

جامعه شناسی

تتبع و تحقیق

توسط:

پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

۲۰۱۲

مقدمه بر جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی مطالعه زنده‌گی اجتماعی انسان است. زنده‌گی انسان خود پیچیده و دربرگیرنده‌ای شاخص‌های بیشمار و متعددی می‌باشد و به نسبت همین پیچیده‌گی آن دسپلین‌های رشته‌های جامعه‌شناسی نیز با گذشت زمان و با در نظر داشت ساحات بویژه به بخش‌های مختلف تقسیم میشود بنادر بخش اول این جزوه مازایجادو تاریخچه جامعه‌شناسی بشمول پیشگفتار و روش مطالعه و درمورد بعضی از مطالب بحث برانگیز تیوریک مربوط به جامعه‌شناسی بحث بعمل خواهیم آورد و نیز در فصول باقیمانده بالای موضوعات مختلفه دیگر مربوط به آن خویشتن را متمرکز خواهیم ساخت.

فهرست مطالب:

* بنیاد جامعه‌شناسی:

- پیشگفتار

- روش‌های جامعه‌شناسی

- تیوری عمومی جامعه‌شناسی

* زنده‌گی اجتماعی:

- جامعه

- فرهنگ

- اجتماعی شدن

- گروپ‌ها

- امارگیری
- سالخورده گی
- کج رفتاری و هنجارها

* نابرابری :

- نژاد و قومی
- جنس
- قشر بندی

* نهاد های اجتماعی :

- اقتصاد
- خانواده
- مذهب
- صحت و طبابت
- سیاست

* تغییرات اجتماعی :

- رفتار جمعی
- جنبش های اجتماعی

* معلومات اضافی :

- اگر شما یک جامعه شناس باشی بادیپلوم درست داشته ای
تان بر جامعه شناسی چه کاری را انجام خواهید داد.

- جامعه شناسان سرشناس

* بخشهای آینده :

- 1- حقوق بشر
 - 2- تمایلات جنسی
 - 3- آموزش و پرورش
 - 4- رفتار سازمانی
 - 5- روانشناسی اجتماعی
 - 6- جامعه شناسی عملی
 - 7- بازیهای ویدیویی و دنیای مجازی
 - 8- تغییر اجتماعی
 - 9- بوم شناسی و شهر نشینی
 - 10- ارتباط جمعی یا رسانه ها (به ارتباط موسسات)
 - 11- زنده گی روزمره
 - 12- ساختار اجتماعی
 - 13- سازمانها
 - 14- کار اجتماعی
 - 15- ورزش اجتماعی
 - 16- اضافات
-

فصل اول

بنیاد جامعه شناسی

1- آغاز سخن :

جامعه شناسی عبارت از مطالعه زنده گی انسان است. جامعه شناسی حاوی بخش های مطالعه گوناگون اعم از تجزیه و تحلیل از مکالمات و مذاکرات تا تیوریهای توسعه یافته مبنی بر درک از چگونگی عملکرد کل جهان میباشند. درین بخش ازین جزوه بشما جامعه شناسی را معرفی خواهیم کرد و همچنان در باره تاریخچه جامعه شناسی مروری خواهیم داشت .

جامعه شناسی چیست ؟

شما اینجا هستید یک محصل پوهنخی جامعه شناسی و یک کتاب جامعه شناسی را نیز بدست دارید و آنرا مطالعه می نماید و شما کسی هستید که به این دسپلین ورشته علاقمندی خویش را نشان داده اید و میخواهید که در آینده یک جامعه شناس باشید و از این پوهنخی دیپلوم جامعه شناسی را بدست آورید ، من به نسبت این انتخاب درستی که شما نموده اید به شما تبریک میگویم موفقیت های مزیدی را بشما ارزو می نمایم ، ولی میخواهم درین مورد با شما موضوعات و مطالبی چندی را بغرض آگاهی بیشتر شما در میان گذارم و آن اینکه این یک سفر طولانی و قابل تحمل است که شما آنرا درپیش گرفته اید ؛ و شما باید ان را بدانید که مطالعه جامعه شناسی یک سفر عادی دریایی نیست اینست که شما در آغاز چنان سفری هستید که شمارا به عمق و قلب جهان ، جهانی که شما را احاطه کرده است سفر می نماید ، شما در این سفر نه تنها به صفت یک مسافر یا ناظر ویانه هم به حیث شرکت کننده میباشید بلکه شما درین سفر به صفت مبتکر و اندیشه گر نیز باید باشید. پس به این دلیل وبرهان جامعه شناسی خود مطالعه جهان است که ما (و باید

ما منظورم از اینکه ما انسان هستیم (باید پیرامون خانه و جهان خود
بیا ند شیم وابتکار نمایم ؛ چشم انداز جامعه شناسی به جهان همچون
ما (مانند شما) خلاقیت وابتکار است .

اکنون من میدانم که شما درمورد چه چیزی می اندیشید (ویا آنچه که
من همین اکنون می اندیشم) شما درمورد خوبی های واهمیت بسزایی این
رشته یعنی جامعه شناسی می اندیشید من در اینجا بشما خاطر نشان
میسازم وآن اینکه این جهان را که من و شما در آن زنده گی می نمایم
ویا در آن تولد یافته ایم ما آنرا خلق نه نموده ایم ، بلکه این جهان قبل از
آنکه من و تو تولد گردیم ویا هست شویم ویا به روی آن پا گذاریم ویا
هوای آنرا تنفس کنیم وجود داشت (وآن اینکه مردمان قبل از ما در ساختار
این جهان تلاشها وابتکارات چندی را بخرچ داده اند) شما میگوید زمانیکه
من به دنیا آمد م صلاحیت و قدرت انتخاب را به هیچ وجه نداشتم .

اگر شما اینطور می اندیشید پس اندیشه تان کاملاً درست است وآن
اینکه جهان " وجود داشته و بود " زمانیکه شما به دنیا آمدید از شما
هیچکس نه پرسید که آیا شما این جهان را خوش دارید ویا نه دارید ؟
شما با صدای بلند و نعره کنان همچو که چیزی را به آب بیاندازند واز آن
صدای بلند شود به دنیا آمدید یعنی که تولد شدید اگر پسر بودید نرس
موظف بدور تان قد یفه ای آبی واگر دختر بودید شما را در قد یفه گلابی
پیچانیده وبغرض اجتماعی شدن تان شمارا نزد والدین تان آورده بود.

وبعد از سپری شدن یک سال شما از والدین واز معلم و دوستان تان واز
تولیزیون وحتی از پولیس در ارتباط قوانین موجود اجتماعی چیزهای
ضروری آموختید؛ این آموزش ها به نحوه تدریجی بوده و شما تا حال
تنها درموردی از قوانین اجتماعی اطلاعات چندی را داشته واز آن آگاه
ومطلع شده اید ؛ اما برخلاف آنچه که من درین مورد اشکاراً یاد آور
میشوم این است که اکنون شما به یک خانواده ، به یک فرهنگ و به
جامعه ای مربوط و متعلق میباشید که شما آنرا انتخاب نه نموده اید
وانچه که شما متعاقباً باید انتظار انرا داشته باشید وحتی ممکن است
با تحمیل فشار با این وادار شوید که به خانواده خود ، با فرهنگ خود
و با جامعه خود انطباق نماید ویا توافق نشان دهید.

بلی شما در دنیا یی که قبل از شما ساخته شده بود و قبل از ورود شما وجود داشت و بطور نورمال در آن نهادهای مختلف ایجاد شده بوده پا به عرصه گذاشتید به این معنی نمیباشد که شما تا حال در دنیای پیرامونتان از زمان موجودیتتان چیزی را ایجاد و یا خلق نه نموده اید بلکه شما در ایجاد و ابتکارات چندی به ارتباط موضوع سهم گرفته اید ممکن است این سهمگیری و تلاش های شما برایتان روشن و هویدا نباشد ولی واقعیت این است وان اینکه هر آنوقتیکه شما آغاز به فعالیت نموده اید یعنی قوانین مروج جامعه را آموختید و آنرا مراعات نموده اید و یا در ایجاد و تاسیس مجد داموارت چندی سهم گرفته اید پس این خود نماینده گی از سهمگیریتان در امورات جامعه و جهان پیرامونتان مینماید و از نظر زمانی چندان مدتی هم سپری نشده است که شما در این روند سهم نگرفته باشید؛ زمانیکه شما به چهار سالگی رسیدید یعنی سن چهار سالگی را تکمیل نمودید از همان وخت حمایت و پیشتیبانی خود را از سیستم آغاز نمودید یعنی شما به ارتباط ماهیت و ارزش های جنسیت پی بردید و با دیگر کسانی که ارزشها و قوانین جنسیت را در اجتماع مراعات مینمود شما نیز به رعایت همچو قوانین اقدام نمودید و در مقابل کسانی که از همچو اصول و نورمها عدول مینمودند سر توافق نشان نمیدادید؛ دخترها و پسرها هنگام نشستن و برخاستن از همدیگر میگریزند و یا با یکدیگر میخندند و یا در مورد چیزی تبصره میکنند و یا دخترها بالای پسرها که لباسها دخترانه می پوشیدند مستقیماً میخندند این همه مواردی است که در روند سیستم سهم گرفته میشود که شما به کار این سهمگیری در سن و سال چهار سالگی آغاز به فعالیت نموده اید.

ایا این راه برای همه ای ما درست است؟

زمانیکه شما به دست یک پسر یک چوب هاکی را میدهید قسمیکه پسران خوش دارند تا چوب را بدست گیرند و یا وقتیکه شما یک گدی را به دست یک دختر میگذارید اونیز با خوشی آن گدی را بدست میگرد چونکه به آن علاقمندی بیشتر دارد پس در اینصورت شما در ایجاد و در سرعت و ارجیحت ایجاد دوباره دنیا و نهادهای مربوطه تا نراد واقیعت امر کمک نموده اید؛ زمانیکه شما به جوانی رسیدید سهمگیری شما

به ارتباط رعایت قواعد و قوانین و در ایجاد مجدد نظم اجتماعی و گسترش آن در همه بخش های از زنده گی و به هر نهادی که شما به آن تعلق داشتید بیشتر گردد که این خود ناشی از درک شما بود که از قوانین و اصول رعایت بعمل می آوردید. خط توسعه و پیشرفت ساده است: یعنی یادگیری قواعد و قوانین عمل بر قوانین و اجرای قوانین این است چگونگی نظم اجتماعی و نهاد های اجتماع ما از یک دهه به دهه دیگر عبور نموده و هر نسل و جنریشن در ایجاد نظم نوین اجتماعی سهم خویش را ادا و بذل مساعدت نموده اند.

حال لطفاً این را بدان که من به ارتباط که شما در ایجاد مجدد نظم اجتماعی چه اجرائت عملی درست و یا نادرست را بخرچ داده اید نمی خواهم قضاوت نمایم بلکه من به حیث یک جامعه شناس میتوانم به شما خاطر نشان سازم که شما در ایجاد دنیا و موساسات مربوطه تان آنچه در توان داشتید و یا آنچه که کدام کاری که اگر بشما محول گردیده آنرا اجرا نموده اید اما من این را باید یاد اور شوم و آن اینکه بعداً شما تدریجاً در ایجاد و گسترش نظم اجتماعی واقعاً که سهم تان را ادا نموده اید و یا از هیچ نوع مجاهدت دریغ نه ورزیده اید.

چونکه ما همه نیز درین مورد تلاش بخرچ میدهیم.

زمانیکه ما قوانین موجوده را دنبال مینمایم و یابادرنظر داشت پارامترهای نهاد مربوطه مان در ایجاد و خلاقیت مجدد نهادهای اجتماعی مایان به اجرای آن عمل می نمایم آنطوریکه نیاکان ما در ایجاد انسان و تشکیل جامعه باهم طور دستجمعی به شکار می پرداختند و آنها توانستند اجتماع و یا جامعه شان را بوجود آورند لذا آنچه را که من در بالا به آن اشاره نمودم این همان چیزی است که آنرا جامعه شناسی میخواند و یا به عباره دیگر جامعه شناسی به آن علاقمند میباشد یعنی جامعه شناسی آنچه را که شما در دنیای پیرامون تان ایجاد و یا خلق مینمایید به آن علاقمند میباشد. اکنون من در مورد شما نمیدانم ولی برای من جامعه شناسی رشتهء مورد علاقه من میباشد (بگفته ای اوگوست کونته جامعه شناس مشهور فرانسوی جامعه شناسی شاه تمام رشته های اکاد میک میباشد) این یک واقعیت انکار ناپذیر است که جامعه شناسی را به عنوان آنچه که ما به

ایجادگری (بعنوان مثال :نظم اجتماعی) آغاز نمودیم آنچه که من را بخود
مجنوب ساخت جامعه شناسی بودگرچه من در اوایل میخواستم رشته های
همچو انجینری ، شیمی ویا روانشناسی را برگزینم ولی مواد ومندرجات
جامعه شناسی برایم نسبت به هر رشته ای اکادمیک دلچسپ وگوارا بود
واین خود درمن انگیزه ای را خلق کردکه باید رشته ویا دسپلین جامعه
شناسی را انتخاب نمایم که انتخاب نمودم .

اکنون من درارتباط صنوف انجینری و روانشناسی ام خاطراتی را به
یاد دارم ویآن خاطرات را به یادآورده نمیتوانم درحالیکه من تا همین
اکنون خاطرات از صنف اول جامعه شناسی ام را به یاد دارم
فکر میکنم جان کانوی(John Conway) رادرپوهنتون ریگینا (Regina)
در ساسکاچوان(Saskatchewan) اکنون دراینجا ، من فکر میکنم که
اودراین دسپلین به توضیح بعضی چیزها می پرداخت .من درسال اول
که شاگرد پوهنخی جامعه شناسی بودم مدرسین وپیشوایان جامعه شناسی
را شناخته و انواع جامعه شناسی را دانستم ودرپهلوی آن بسی آن
چیزها را که قبلاً نمیدانستم و درحیرت بودم که چطور وچگونه آن
مطالب را باید بیاموزم آموختم ؛ بگونه مثال من آموختم : چرا وقتی
که من شاگرد مکتب بودم تجربه بد وناکافی داشتم ویا چرا ما (والد ه
تنهای ام – برادرم ومن) همیشه غریب ونا در بودیم دلیل آنر میتوان
چنین توضیح داد یعنی ساختار اجتماعی و تعصبات بیشترعلیه زنان
(همانطوریکه این تعصبات تا هنوز موجود است) ومن همچنان به ارتباط
طبقات جامعه وبه ارتباط دلیل موجودیت طبقات درجامعه؛ تبعیض نژادی
صنّفبندی ؛ سرمایه داری وکمونیزم نیزدانسته گیی های چندی حاصل
نمودم ، همچنان من درمورد جنسیت و اجتماعی شدن و کنترل اجتماعی
ومجموعه های از حقایق جذاب و دلچسپ وتیورهای جامعه شناسی
معلومات بیشتری را بدست آوردم . این آن چیزهای بود که در اولین
سال ازشاگردی ام من میخواستم درمورد آنها معلوماتی بدست آورم آن
چیزهای بود که من میخواستم درباره جهان ودنیای پیرامون خود بدانم
که خوشبختانه با ورودم درین رشته یعنی با فراگیری جامعه شناسی
توانستم در موارد متذکره دانسته گیی های لازم را بدست آوردم واین

معلومات ها را به کمک ابزار و وسایل ورهنمود های علمی جامعه شناسی در حیات روزمره ام بعد از اجراء ت عملی و اندوخته گی های تجربی توانستم حاصل نمایم .

با تاسف فراوان باید بگویم که این دست آورد ها از آنکه من را خوش سازد بیشتر باعث خفگان و اظطرابم گردید وان اینکه امروز درین دنیای که ما در آن زنده گی مینمایم دنیای شده که در آن خشونت ، ظلم و تعدی ، عدم رعایت از قوانین ، مقررات ، اصول ، به حد اعلا ی آن بملاحظه میرسد و قرار راپور و اما ریدست آمده هر روز در حدود (16000) طفل نسبت فاقگی و گرسنگی پدرود حیات میگویند زورمندان و عاملین زوروزور بخاطر سود و نفع شان نظم اجتماعی را مراعات نمی نمایند (بملاحظه و چشم دید این قلم که همین اکنون بیرون از کشورم به حیث مهاجر زنده گی مینمایم و میخوام در مورد جامعه شناسی جزوه ای بنویسم کشورم به یادم آمد کشوری که در آن توسط دولتمردان و اراکین بلند پایه ای دولتی که همه در فساد ، رشوه ، قاچاق مواد مخدره ، قاچاق ابدات تاریخی و فرهنگی ، قاچاق و آدم ربایی ، غصب ملکیتها تجاوز بالای زنان ، تبادل زنان به حیوانات و از جمله با سگ های شکاری ، گریز از قانون ؛ غارت بیت المال ، چپاول بانک های دولتی ، کشتار مردم بیگناه تا گلو غرق اند و به این اعمال غیر انسانی خود دوام میدهند و یا هر روز همچو اعمال را سر و صورت میدهند مایه افسرده گی و ناامیدی را بار می آورد و از همه مهمتر جای تاسف در اینجا است که حامی و پشتیبان این انسان های نا فهم و دد منش همان سودخور بین المللی است که با رسانه های دروغ پراگنی خود داد ازدموکراسی و حقوق بشر میزند ولی در عقب کسانی قرار میگرد و از آنها حمایت می نماید که همه مردم افغانستان و جهان متمدن و ترقیخواه از آنها نفرت و انزجار دارند) دنیایی که زنها بخاطر واری از فرزندان گرسنه و فاقه شان تن به کارهای شاقه و طاقت فرسا میزنند ، طبقات محکومی که بخاطر اعاده دموکراسی و رعایت از قانون و تامین نظم اجتماعی مبارزه می نمایند و در این راه متقبل زحمات زیادی میشوند همه آن مواردی است که ناشی از موجودیت طبقات در جامعه بوده که این همه

معلومات ها را جامعه شناسی برای انسان میدهد تا در ریشه کن ساختن این همه نابسانی ها راه های بیرون رفت آن را نیز مشخص میسازد پس میتوان گفت که جامعه شناسی شاه علوم دیگر است .

قدرت برای بعضی گرسنه گی برای دیگران

امتیاز برای چند و برده گی با دستمزد (برده داری واقعی در کارگاه که در بدل دستمزد ناچیز ساعات ها کار مینمایند و موجودیت رابطه جنسی اجاری از جهان) برای بقیه .

انزجا ر قوی: برایم به حیث یک جامعه شناس معلوم شد که واقعاً این جهان یک جهان رنگ پریده از تضاد ها بوده و مرا بیشتر به اجابت مزاج نظم و انضباط جامعه شناسی در خود فرود آورد وقتی بیشتر متوجه شدم که این جهان چرا رنگ پریده بود ، آن هنگامیکه من برای دیپلوم خود کار میکردم ، من دیدم ویا دریافتم از آنچیزیکه من آموخته ام این بیشتر از آن بسیاری مواردی که در این دنیا است کمتر است من مانند یک مسافر ترسناک شعری از بروس کوکبورن (Bruce Cockburn) را که مضمون آن شعر بیان از درد ورنج و ناله در این جهان میباشد یافتم و آن اینطور :

وزرا می بینند - به کار بروی حرکت خوب

همچنان در حرکت سرمایه کار میکنند

همچنان بروی حرکت انسان کار میکنند

همچو مثل ما هستند بسیار گاوها

مسافران نیگون بخت در آسمان سپیده دم

زیبایی را ببین - که سبب گریه درونی ات میشود

شما را عصبانی میسازد و شما نمیدانید چرا

مسافران شوم در آسمان سپیده دم

بروس کوکبورن

اکنون من فکر میکنم و میدانم که من ممکن موضوع خوبی را که آن عبارت از مطالعه جامعه شناسی است برنگزیده ام و آن به این معنی که کی میخواهد یک رشته ود سپلینی را انتخاب کند ویا به مطالعه آن پردازد که باعث از رده گی خاطر و اضطراب او گردد ولی بعداً متوجه

شدم و دریافتم که چه چیزی بد در جهان نیست که نباشد بی عدالتی ها ، بی انصافی ها، ناسازگاری ها ، ناکارآمدها ، (ساختاری و اجرایی) نا خوشایندها و..... بلی این تا هنوز دنیای ما است و بما تعلق دارد این ما هستیم که این دنیا را با اجرای فعل و انفعالات و اقدامات خویش ایجاد و خلق کرده ایم پس در نتیجه این ما میباشیم و یا این ما هستیم که میتوانیم دنیای خود را تغییر دهیم یعنی دنیای خود را انسانی سازیم این توان و قدرت را که ما باید دنیای خود را تغییر دهیم برای ما جامعه شناسی میدهد و دیگر هیچ رشته و هیچ دسپلینی نیست که بما غرض تغیر دنیای ما این توان و قدرت را بما بدهد.

علوم طبابت بما می آموزاند که چگونه از بدن و عضویت پیچیده خود مواظبت بعمل آوریم ؛ مهندسی برای ما اجازه و یار رهنمود میدهد که ساختمانها را چطور اعمار و تعمیر نمایم ؛ روانشناسی ره های را برخ مامی گشاید که چسان خویشتن را خوش نگاه نمایم و از تشویش واضطراب خود را رهایی بخشیم ؛ کاتا لوگها و یا فهرستهای تاریخی ؛ تاریخ گذشته ها را چه آنکه آنها کار های درست نموده اند و یا بد و یا اینکه با داشتن نیرو قدرت از مند رجات حقوق بشر عدول کرده اند توضیح و معلومات میدهد اما تنها جامعه شناسی (ورشته های مربوطه و مشتق شده آن اعم از فیمینیزم، علوم سیاسی و غیره) برای ما وسایل و ابزاری را بغرض تغیر جهان میدهد.

با در نظر داشت گفته های فوق میتوانیم بگونه مثال از کارها و فعالیت های خستگی ناپذیر کارل مارکس یا د آوری نمایم که نظریات و رهنمود های او در طول یک قرن باعث تحولات و تغیرات شگرف اجتماعی در سطح جهان گردید من در اینجا از تجربه شکست خورده روسیه سخن به میان نمی آورم ؛ ولی در مورد هزارها تحول و تغیر و انقلابات اجتماعی دیگر سخن میگویم که این همه تحولات و تغیرات و دیگر گونیهای اجتماعی که در سراسر جهان و بویژه در امریکای لاتین و مرکزی بواسطه جنبش کارگری و اتحادیوی بوقوع پیوست ثمره ای کار و رهنمود های داهیا نه کارل مارکس و مارکسیزم بود تیوریهها و رهنمود های باور نکردنی که تا تیرات فراموش ناسندنی را در جنبش و خیزش های اجتماعی و انقلابی

بجا گذاشت (اما تنها و تنها این نظریات و تیوریهای مارکس در کشور های غربی و سرمایه داری مورد تایید صاحبان سود و سرمایه قرار نگرفت) با دید خاطر نشان ساخت که این همه تغییرات و تحولات تنها ثمره ای کار و فعالیت کارل مارکس نبوده بلکه توأم با آن نتیجه کار جامعه شناسان و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی و دانش آموزان رشته های متعدد و به ویژه دانشجویان جامعه شناسی را بغرض تغیر و دیگر گونی جهان نیز میتوان پذیرفت .

اکنون البته که جامعه شناسی و آن فعالیت های را که جامعه شناسان بکار می اندازند و یا مصروف آن اند همیشه به مفهوم تغیر و انقلاب نیست و آن اینکه در اینجا اکنون جامعه شناسان ملاحظه کار و کانسزربتیف نیز موجود اند که آنها تمایل دارند تا از حساب جیب دیگران امرار حیات نمایند و وضع ناهنجار موجود را ارایش دهند و آنرا خوب و بهتر برخ دیگران کشند ؛ نقطه قابل تذکر اینست که با آتش شلیک توپ هنگام ادای احترام نباید طفره رویم و یا آنرا باقهر و عصبانیت خشونتبار مورد نقد و نکوهش قرار دهیم ؛ نقطه ای فوق العاده مهم و با اهمیت این خواهد بود که با استفاده از آن رهنمود های که از مطالعه جامعه شناسی داریم واقعیت های موجوده را با دید هرچه بیشتر و بهتر برجسته ساخته و بخور مردم بدهیم رهنمود های که حد اقل بطور بالقوه برای تغیر جهان میباشد پس اینجا است که میتوان گفت و آن اینکه : جامعه شناسی یک رشته و یا دسپلینی علمی و قد رتمند و هیجان برانگیز میباشد .

با بستن این مقدمه ای کمی کوتاه و مختصر من میخواهم توجه شما را به جهان امروزی (جهانی که همین اکنون همینطور است) همین اکنون معطوف بدارم ؛ قسمیکه من گفتم جامعه شناسی روح شجاعت و دلیری میباشد ، دانش و مهارت ها مورد نیاز و ضرورت میباشد تا بوسیله آن جامعه را تغیر داد ولی با وجود آنهم تغیر دادن جامعه آنقدر کار آسان و سهل هم نیست ، ما به جهان اجتماعی (جهانی که همین اکنون همینطور است) مینگریم و درمی یابیم که در اینجا تا هنوز کارهای زیادی انجام نشده باقی مانده است که باید انجام شود و مردم در انتظار انجام شدن آن کارها میباشد مثلاً با وجود پیشرفت های کارگری ، برابری برای زنان و غیره

ماتاهنوز در جامعه ای نابرابری موقوف، رتبه و تفاوت‌های متعدد و گوناگون زنده گی می نمایم پس چه باید کرد در اینجا یک سوال منصفانه که باید پیشکش شود این خواهد بود که اگر جامعه شناسی اینقدر پرتوان و پرقدرت است پس چرا هرچه زودتر و سریعتر زمینه تغیر و تحول و دیگر گونی را مساعد نمی سازد؟

این پاسخ را جامعه شناسی میدهد و آن اینطور که اگر شما از طریق درجه جامعه شناسی خود به حرکت بیافزید آنوقت شما خواهید آموخت که چرا چنین به نظر می آید که جهان اجتماعی در مقابل تغیر و دیگر گونی از خود مقاومت نشان میدهد، و به همین دلیل چرا تلاش و مبارزه برای تغیر صورت میگیرد و غالباً تا چند دهه دوام مینماید، آنوقت شما این را نیز درک خواهید کرد که در جامعه بعضی کسان دارای قدرت بیشتر و بعضی ها دارای قدرت کمتر اند و در پهلوی آن اینرا نیز خواهید فهمید که این صاحبان قدرت بیشتر چسان قدرت خویش را در برابر و در تقابل جهش و تغیر بکار خواهند انداخت، شناخت و درک این موضوع نیز از مطالعه جامعه شناسی قابل دسترس می باشد.

شما در مورد فعالیت‌های هر چه بیشتر و گسترده تر رسانه ها و دست اندرکاران و جمعیت های انبوه از برنامه سازان مربوط ارتباط جمعی را در جامعه که بسی مطالب را به نفع عده قلیل از ثروتمندان تحت پوشش میگیرند خواهید دید بگونهء مثال: بسیاری ها بویژه ثروتمندان با استفاده از رسانه ها و ارتباطات جمعی بمنظور کنترل از درک ما به ارتباط جهان پیرامون ما تلاشهای مذبحانه را بکار می بندند تا ما را در بیخبری و بی اطلاعاتی قرار دهند، شما همچنان در جامعه نابرابری های چندی اعم از نابرابری جنسی؛ نابرابری طبقاتی و نابرابری نژادی را نیز خواهید دید و این را نیز درک خواهد نمود که ازین حالت و وضع نابرابری کی ها و یا چه کسانی استفاده می نمایند و یا این نابرابری ها به سود چه کسانی (اغلباً به نفع صاحبان زور و متمول و قدرتمند) است؛ و به این مطلب نیز واقف خواهید شد که این صاحبان ثروت و قدرت چسان فعالانه در مقابل تغیر در جامعه به مقاومت می پردازند و جلوه هرگونه تغیر و تحول و انکشاف مترقی را میگیرند در پهلوی اینهمه نابسانی ها

شما همچنان این موضوع را نیز درک خواهید کرد که چطور شیوه های اجتماعی شدن و نهادهای موجود ما در واقع از جانب دست اندر کاران سیستم های نابرابری و این زورمند ان حمایت و پشتیبانی میشود و از جانبی این مطلب را نیز خواهید دید که در سیستم معارف و تعلیم و تربیه ما این کهنه پرستان و صاحبان ثروت و سرمایه به چه اندازه نفوذ دارند و این سیستم را چطور به نفع خود می چرخانند و چگونه با فشار و زور ما را وامیدارند که این نظم کهنه و قبلی اجتماعی را که به نفع آنها میباشد آنرا جبراً بپذیریم؛ در نهایت امر، و در پایان مطالعات و چشم اندازهای خویش خواهید دید که جهان یک محل رقابت و عرضه ای مبارزه بین نو و کهنه است که در آن برخی ها با استفاده از زور میکانیزم بویژه ای را بغرض نفع و سود خویش بکار می بندند که دیگران را در همه عرصه های زنده گی تحت نظارت و کنترل قرار میدهند حقیقت تلخ و تآثر آور اینست که ما متأسفانه نمیتوانیم و یا توان آنرا داریم که در مقابل تبلیغات زهرآگین و انحراف کننده ای آنها به تبلیغات بالمثل به مقابل آنها بپردازیم و نقطه ای قابل ذکر اینست که برخی از ما نسبت به (رهبران شرکت های بزرگ و غول پیکر؛ دولت و قانون گذاران؛ قدرت های متمدول و غنی و پادشاهان سر زمین های خارجی) در خط پایان قرار داریم و آنها به نسبت نفوذ و قدرت در دست داشته شان دنیای را مطابق آرزوها و میل خویش ایجاد و خلق مینمایند و شرایط زنده گی را مطابق به میل خود سروصورت میدهند .

سرانجام میتوان چنین گفت : و آن اینکه برای ما حق تعیین و انتخاب راه را خواهند داد و آن اینکه آیا ما همین دنیای که باهمین سیستم فعلاً موجود است آنرا بپذیریم و یا اینکه در صدد راه و روشی بغرض "ایجاد همکاری" بینهم شویم و خود را آماده پذیرش یک سلسله مسوولیت ها و وظایف سنگین سازیم و با بکاربرد و توان در دست داشته مان در پی ایجاد آنچنان دنیایی باشیم که به نفع همگان باشد در اینجا آنچه که قابل تذکر است اینست که ایجاد همچو دنیای که ما خواهان آن هستیم انقدر ساده و سهل نبوده بلکه برداشتن یک گام بزرگ و یک سفر طولانی و فوق العاده سخت و مشکل میباشد که جای هیچ شک و شبهه در آن نیست

و این به ذات خود یک چلنج از طرف جامعه شناسی می باشد و یا میتوان گفت که رهنمودها و قطب نما را برای این سفر بما جامعه شناسان به هدیه داده اند یعنی دانش در مورد چگونگی وضع دنیا، دانش در مورد اینکه چه باید کرد؟ دانش در مورد اینکه انتخاب ما در صورتیکه صاحب قدرت شویم چیست؟ و جهان اجتماعی خویش را از طریق بکاربرد اعمال و اعتقادات خویش چسان مطابق میل همگان تغیر دهیم کاری است بسی مشکل و سخت ولی به هیچ وجه غیر ممکن هم نمی باشد.

استفاده از تخیل جامعه شناختی: شما که یک محصل جامعه شناسی

میباشید این وظیفه شما است تا خود را به جامعه تان منصوب بدانید و با استفاده از موقف تان در جامعه به اجرای وظیفه و شغل بپردازید همانظوریکه من قبلاً گفته بودم: جامعه شناسی علم و آگاهی و مطالعه جهان است که در اثر کار و پیکار و تعاملات و توافق و همدستی و با رعایت از قانون که شما و دیگران آنرا بکار بسته اید ایجاد و خلق نموده اید که این خود وظیفه و بیش از تقبل مسولیت چیزی دیگری نیست لذا من بشما پیشنهاد می نمایم که در آغاز هر کار و فعالیت تان باید به حیث یک جامعه شناس بیاندیشد که همچو اندیشیدند را میتوان دید گاه جامعه شناختی در مورد دنیای گفت که آنرا برای زنده گی خویش خلق نموده اید. این اندیشه های تان باید بویژه در دوماورد و در دو نهاد که با این نهادها در زنده گی روزمره بیشتر نزدیک و سروکار دارید تعمق بیشتر نماید، یکی از این نهادها فامیل شما (محیط خانواده شما) و آن دیگر محیط مدرسه و مکتب به صفت موسسات و نهاد های که شما هر روز به آن سروکار دارید میباشد شما باید ساختارها، مرزها و قوانین مربوط به این نهاد و همچنان انعکاساتی را به ارتباط این ساختارها و مرزها و قوانین بدانید باید خاطر نشان ساخت که توجه بیشتر تان را در ارتباط قوانین عام این ساختارها و مرزها نباید بیشتر متمرکز سازید (مثل قبل از به حمام رفتن دست را بالا کردن) بلکه تمرکز فکری بیشتر تان را بروی قوانین خاص و یا مختص به آن تلویحاً متمرکز سازید. آیا میشود که تمام این نظم و قاعده و قوانین طور یکسان بکار رود و یا عملی شود؟ آیا بعضی مردم پیروی از قوانین مختلف

مینمایند؟ اگر چنین است پس چرا؟ و یا اینکه چه گونه وظایف را در ارتباط بسر رساندن این قوانین بکار می بندند؟ اگر یک نهاد تعلیمی و آموزشی می خواهد که این قوانین را بکار بیا نداد پس دولت در آن زمان به نهاد مذکور این صلاحیت را میدهد تا برای انجام عملکرد خویش در ارتباط آموزش شما (به زعم بعضی ها مغزشوی نماید) دست بکار شود و اگر این قوانین را در بخش فامیل می خواهند بکار اندازند پس در آن صورت تمام اعضای فامیل بعد از شام با هم یک جا به انجام آن نظم و قوانین که گردهم جمع میشوند می پردازند .

وقتی شما قادر به شناخت همچو قوانین گردیدید بعداً در رابطه سهم و اشتراک تان در بسر رساندن و تحقق و تاسس و ایجاد مجدد دنیای پیرامون تان و اجرات که به ارتباط این قوانین نموده اید کمی مکث و توجه نماید اگر شما احیاناً به ارتباط موضوع مورد نظر کدام دلهره گی داشته باشید در آن صورت خود تان باید خود را دریابید که شما در کدام بخش و مرزی مبنی بر بهره برداری در مخالفت و مقاومت قرار دارید اگر شما در این رابطه سوالاتی داشته باشید بهتر است که آن سوالات را در کتابچه یادداشت های شخصی خویش یادداشت نماید و هرگز نگران آن نباشید که کار های شما چرا علمی و هوشمندانه نیست و همچنان نباید هراس داشته باشید که پاسخ های شما غلط و نادرست است مسوولیت و ماموریت شما محضاً به ارتباط انعکاسات پیرامون نهاد های زنده گی تان باید باشد مثل به ارتباط درجه بندی و عمق بازتاب نظریات تان وقتی که ماموریت تان در موضوع مورد نظر تکمیل گردید سپس آنرا به کمیسیون ارزیابی بغرض درجه بندی کیفیت آن بسپارید .

یادداشت ها : اصطلاح اجتماعی شدن توسط جامعه شناس مورد استفاده قرار میگرد که خود به معنی آموزش دادن به آن کسی میباشد که در اجتماع جدیداً وارد میشود و یا عضویت اجتماع را کسب می نماید و او الزاماً مجبور است تا قوانین و مقررات و سنن اجتماع اش را بداند و یا بیاموزد اجتماعی شدن به عوامل اجتماعی شدن مربوط میباشد مثل یک نرس شفاخانه که کودک نو تولد را با تشخیص هویت تناسلی اش در قد یفه ای آبی و یا گلابی می پیچاند و بعداً او را به والدین اش یا به محیط

وماحول و نهاد های مربوطه اش پیشکش می نماید بعدا این موجود نوتولد
تندریجا وبشکل دوامداربخاطر اجتماعی شدن اش به نهادهای مثل مکتب
، مسجد ، ارتباط جمعی ونهادهای دیگر درارتباط قرار میگيرد .

جامعه شناسی از نظر نهاد ویا انجمن جامعه شناسان ایالات متحده
امریکا درسال (2006) چنین تعریف ومعرفی شد : جامعه شناسی
مطالعه زنده گی اجتماعی ، تغییر اجتماعی و عوامل اجتماعی و
پیامدهای سلوک وروش بشر میباشد این نهاد برآن است که جامعه
شناسان طور پیگیر پیرامون ساختار جامعه شناسی به پژوهش
وتحقیق مصروف اند مبنی براینکه انسانها بینهم چه مناسباتی دارند و
به چه نوع همکاریهای متقابل میپردازند لذا جامعه شناسی مطالعه
علمی واکادمیک جامعه ، انسان و رفتار وسلوک انسان میباشد .

همانطوریکه گفتیم یک بار دیگر خاطر نشان میسازم که :
(**جامعه شناسی یعنی که چطور جامعه سازماندهی شود وما چگونه
زنده گی را تجربه نمایم**) . به عبارت ساده تر جامعه شناسی عبارت
از مطالعه جامعه میباشد این مطالعه با بکاربرد روشهای مختلف بغرض
بررسی راه جامعه صورت میگيرد . وبه همین دلیل انسانها چیزهای
را که بعنوان جامعه است ویا مربوط جامعه است بکار می بندند .
جامعه شناسی یک واژه ویا اصطلاح بسیار وسیع میباشد که دریک
طیف گسترده ساحات را تحت پوشش خویش قرار میدهد و غیر ممکن
به نظر میرسد که این ساحات وسیع وگسترده را درین جزوه کوچک
گنجانید ویا آنرا مورد تحلیل وبررسی قرار داد ولی من تلاش بخرچ
میدهم تا مطالب عمده ای جامعه شناسی را در اینجا ذکر نمایم .

علاوه براین چنین به نظر می رسد که جامعه شناسی زنده گی افراد ،
گروه ها وگروه های انسانها وتمام جامعه را بمطالعه میگيرد .

جامعه شناسی همچنان از رفتار وسلوک اجتماعی ما واز فعل وانفعال
مختصر بین مردم را که یکدیگر خود را درپروسه تولید اجتماعی نمی
شناسند در طیف گسترده ویا در ابعاد وسیع سیاره مان مورد مطالعه
قرار میدهد . جامعه شناسی تجمع اجتماع را از نقطه نظر علمی آن
در گروه ها ودرحلقات اجتماعی مردمانی که در طول زنده گی خود

بحرکت می افتند نیز تحت مطالعه خویش قرار میدهد. این علم مطالعه جامعه یا جامعه شناسی نوع و جنس بشر؛ روانشناسی؛ تاریخ و اقتصاد و نتایج حاصله ترکیبی این رشته ها را در مقایسه با یکدیگر نیز به بررسی و پژوهش میگیرد.

جامعه شناسی همچنان رفتار و سلوک انسانها را بخصوص در گروهی و گروهی نیز مورد مطالعه قرار میدهد.

جامعه شناسی معاصر بیشتر جهت گیری های متقابل و متضاد بین انسان ها را نیز در تحت پوشش خویش قرار میدهد و جنبش کارکردگرایی (functionalism) جامعه شناسی به نظر می آید که اکنون منسوخ شده باشد. سمپل گیری از یک جمعیت بزرگ و آنرا بغرض امار گیری به گروه های فرعی تقسیم نمودن نوعی از امار گیری است و طریقه یا روش انتخاب نمودن را بنام سمپل گیری می نامند و سمپل گیری در احصایه گیریهای نوع رندم (Radom) بیشتر به کار گرفته میشود و اگر امار گیری نوع رندم غیر ممکن باشد میشود که نمونه های دیگر امار گیری را مورد استفاده قرار داد، تذکر این مطلب در اینجا محضاً بمنظور آن بوده که جامعه شناسی امار گیری را نیز تحت پوشش خود قرار میدهد.

موضوعات و مباحث جامعه شناسی بسیار زیاد است محدوده و دامنه ای این موضوعات می تواند شامل چیزهای مانند فرهنگ؛ قانون؛ اقتصاد؛ محیط؛ تعلیم و تربیه؛ جنس و غیره..... باشد. این همه رشته ها در ارتباط به مطالعه روش و سلوک انسانها در بخش های متنوع در مقیاسه یک گروه با گروه دیگر انسانها صورت میگیرد که باز هم در تحت پوشش جامعه شناسی قرار میگیرد. بطور مثال جامعه شناسی میتواند نفوذ و تاثیرات خود را از راههای مختلف بالای محیط زیست بگذارد محققان و پژوهشگران روابط بین فکتورهای اجتماعی و تاثیرات ناشی از آن را بالای محیط زیست مطالعه نموده اند و من چنین دریافته ام که چرا یک گروه از انسانها هم می نویسند و هم میخوانند ولی آن گروه دیگر نه میخواند و نه هم مینویسد. تعلیم و تربیه از موضوعات بزرگ جامعه شناسی شمرده میشود و آن اینکه مطالعه این

بخش بزرگ بومی آموزاند که تعلیم و تربیه به چه وسعت و پیمانها بالای ساختار اجتماعی تاثیر میگذارد. سیستم تعلیم و تربیه در مکاتب برای سنین جوان تاثیرات خوب و بد خود را نیز دارد از مکاتب خوب شگردان ورزیده و با احساس به جامعه تقدیم میشود که با کار و پیکارشان جامعه مربوطه شان بیشتر شگوفان میشود ولی مکاتب بد و خراب که سیستم آموزش در آن درست نباشد نیروی بشری را به جامعه تقدیم میکند که نه تنها جامعه را به پله های بهبودی بالا نمیرد بلکه جامعه را مواجهه به خطرات و ناامنی می نماید و حلقات ناهم سرنوشت جامعه را بدست میگیرند که نمونه مشخص آنرا میتوان در افغانستان کنونی دید که برای همه مردم دنیا اظهر من الشمس است.

تاریخچه جامعه شناسی :

جامعه شناسی در پرتو روشنگری فکری جوانه زد و مدت کوتاهی بعد از انقلاب فرانسه بعنوان یک دانش مثبت در جامعه پذیرفته شد جامعه شناسی منشا و پیدایش خود را مدیون انگیزه های مختلف کلیدی در فلسفه علوم و به مفهوم وسیع کلمه در فلسفه و تحلیل و تجزیه دانش اجتماعی میداند؛ منشا و مبداء جامعه شناسی را میتوان در سهام مشترک فلسفه ویا لزوماً قبل از تاریخ عرصه فلسفه دانست؛ جامعه شناسی مدرن بعنوان واکنشی به مدرنیته، سرمایه داری، شهرنشینی، انطباق بر اصول عقلانی (rationalization) و سکولاریزم (secularization) با یک علاقمندی بویژه ای در ایجاد دولت مدرن مردم، تشکل موسسات و نهادها و واحدهای اجتماعی تاثیراتش را بجا گذاشت و آن به این معنی که نظارت تاکیدی اش را بر مفهوم مدرنیته می نماید نه بجای روشنگری که اغلباً تمایز آن در مباحثات جامعه شناختی با استفاده از فلسفه کلاسیک صورت میگیرد.

قابل یاد آوری است که این دسپلین یا رشته در یک دوره نسبتاً کوتاه چه از نظر حجم موضوعات و چه از نظر میتودولوژیکی بیشتر گسترش یافت، بویژه منحصراً یک پیاپی از واکنش های بی شمار در برابر تجربه گرایی (Empiricism). از جانب دیگر بین جامعه شناسان بحث های

گسترده تر پیرامون موضوع بر سراختلافات نظری مبنی بر تقدم هر کدام از انتخاب چه از نظر ساختاری و چه هم از نظر سازمانی در رابطه جامعه شناسی نیز صورت گرفته است و بخصوص بر سر نظریه اجتماعی معاصر جامعه شناسی در جهت تلاش برای آشتی دادن این معضله یعنی تقدم ساختاری ویا سازمانی که آنهم بسرعت حل و فصل میگردد، چرخش زبانی و فرهنگی از اواسط قرن بیستم منجر به تعقیب روش های تفسیری گردید که بطور فزاینده وبا برخورد های فلسفی - جامعه را مورد تحلیل و تجزیه همه جانبه قرار دادند ولی برعکس درین دهه های اخیر ما شاهد ظهور تکنیک های جدید تحلیلی و محاسباتی دقیق نیز میباشم که این خود نماینده گی از غنای جامعه شناسی می نماید روش های تحقیقی کمی "کوانتاتیوی" اجتماعی به ابزار های برای کسب و کار و بیسنیس دولت ها و سازمانها رایج شده است که میتوان آنرا در علوم دیگر اجتماعی نیز دریافت که مورد استفاده قرار میگیرد که این خود زمینه ای پژوهش اجتماعی این دسپلین ورشته راکه همانند و مشابه علوم دیگر اجتماعی میباشد درجه ویا صلاحیت خود مختاری میدهد تا رشته های مختلف دیگر را که جامعه و فرهنگ را مورد مطالعه قرار میدهد در زیر یک چتر جا سازی نماید .

جامعه شناسی در آثار فلاسفه از جمله افلاطون (427-347 پیش از میلاد) ، ارسطو (384-322 پیش از میلاد) ، و کنفوسوس (551-479 پیش از میلاد) ریشه دارد ، همچنان در اوایل سده های قبلی برخی از محققان دیگر نیز از جامعه شناختی چشم اندازی داشتند ؛ مورخ چینایی ما توان لین (Ma Tuan Lin) در قرن سیزدهم تاریخ جامعه شناختی را با مطالعه و دنبال عوامل اجتماعی موثر بر تاریخ در دایرت المعارف عمومی انکشاف داد، وین هسین تون کاوو (Wan Hsien Tuan Kao) با مطالعه ادبیات و آثار کلی که باقی مانده بود سهم خود را نیز در انکشاف جامعه شناسی بکار برد، ابن خلدون (1406-1332) در ساختار و تکوین جامعه شناسی سهم فعال داشته و از پیشگامان جامعه شناسی شمرده میشود که در حدود (400) سال قبل از از اگوست کنتت موسس علمی به نام جامعه شناس حیات بسر می برد .

جامعه‌شناسی یک رشته علمی نسبتاً جدید است و در اوایل قرن نوزدهم در واکنش به جدال‌های مد رنیتی بوجود آمد. وبا افزایش و پیشرفت های تکنالوژیکی و قرار گرفتن این تکنالوژی در معرض فرهنگ های جوامع مختلف از خود تا ثیراتی بخصوصی بجا گذاشت که نتایج و پیامد این تماسها از هم متفاوت و گوناگون بوده ، اما برخی از افراد انکشاف و پیشرفت این تکنالوژی را به ضرر و اضمحلال فرهنگ و آداب و رسوم خود پنداشه انطباق همچو تکنالوژی را در جوامع خویش نه پذیرفته وبه آن خصومت می ورزیدند ویا اینکه درارتباط این تکنالوژی نظربه اینکه دنیای معاصربه آن چگونه برخورد می نماید تجدید نظر نمودند. این خود وظیفه تاخیرناپذیر جامعه شناسان میباشد ومسولیت دارند که درارتباط توضیح و راههای انطباق این تغییرات واین تکنالوژی بیدون آنکه باعث از هم پاشیده گی همبستگی اجتماع گردد با جامعه یکجا راههای حل این مشکل ومعضله را سراغ نمایند .

متفکرین عصر روشنگری نیز در جمع جامعه شناسان درین برهه تاریخ بدنبال یافته های روشنگری ودانش شان در غنا مندی وانکشاف جامعه شناسی نیز ازهیچ گونه سعی و تلاشها دریغ نورزیدند و بقرار گفته ای کولینز (Collins 1994,17) برای "بار اول در تاریخ بود که این متفکرین به توضیحات جامع وهمه جانبه پیرامون دنیای اجتماعی پرداختند و آنها حد اقل بارعایت اصول کلی تمام اختلافات نظریاتی وایدیولوژیکی شان را کنار گذاشتند وهمچو تن واحد تلاش بخرچ دادند تا زنده گی اجتماعی را برای مردم بشناسند وبه توضیح و تشریح آن پرداختند. که نویسندگان این دوره شامل طیف وسیعی از فیلسوفان شناخته شده را میتوان نام گرفت :جان لاک (John Locke) داوید هوم (David Hum) ولتر (Voltaire) امانیول کانت (Immanuel Kant) چارلس لوئیس دیسکوندات (Charles-Louis de Secondat) بارون دلا برید (Baron de la Brede) وهمکارانش - دیمینسکیوی (De Montesquieu) توماس هوبیس (Thomas Hobbes) و ژان ژاک روسو (Jean-Jacques Rousseau) .

ما سینوس (Macionis) در سال «1995» در مقدمه کتاب خود برای دانش آموزان جامعه شناسی چنین میگوید: محققان و پژوهشگران علاقمندی خاصی به توضیح ماهیت جامعه از طریق مطالعه تاریخ داشتند آنها بطور معمول به این اصل عطف توجه نمودند که جامعه ایدال چه نوع جامعه باید باشد لذا آنها بخاطر یافتن جواب همچو پاسخ در سال (1800) به مطالعه ای هرچه گسترده تر جامعه شناختی انسانی مبنی بر اینکه نظم اجتماعی در همچو جامعه چسان خواهد بود پرداختند و تلاش بخرچ دادند تا تمام موانع را از سر راه خود به ارتباط شناخت جامعه برچینند و با در نظر داشت این برهان خود را قبل از همه با زیور دانش و علم مجهز و مسلح ساختند و تلاش نمودند تا راه را بغرض تغیر و تحقق نظم اجتماعی هموار سازند و به همین دلیل است که آنها را بصفت جامعه شناسان دست اول می نامند.

اوگوست کنت پدر جامعه شناسی:

واژه واصطلاح جامعه شناسی توسط اوگوست کنت (AgusteComte) فیلسوف فرانسوی (1798-1857) در سال (1838) از ترمسوسوس (Termsocius) لاتین یعنی «همدم – کاردانی) ولوژی «Logi» واژه یونانی یعنی (مطالعه – گفتار) ابداع شد. او یعنی کنت به صفت «پدر جامعه شناس» اولین بار این واژه ویا اصطلاح را در فلسفه کار مثبت خود مورد مطالعه قرارداد و از طرف ایدلایمخران «1896-1838» ابرکرومبی «Abercrobie» هیل «Hill» و تورنر (2000، 67) که محصلین پوهنخی انجینری بودند شناخته و مورد استفاده قرار گرفت کنت دبیر و شاگرد فیلسوف فرانسوی کلود هانری دی روبیری (claude Henri de Rouvroy) دوست سنت سیمون (1760-1825) بود، سنت سیمون (saint-simon) خود مدافع اصلاحات علمی و اجتماعی بود.



اوگوست کنت پدر جامعه شناسی

کنت تاریخ را از نظر ملاحظه تاریخی به سه مرحله ای فکری تقسیم نمود :
یک: مرحله نخست یا مذهبی مرحله شامل قرون وسطی که در آن جامعه منعکس کننده خواست و آرا ده ء اولوهیت بود

دو: مرحله دومی ویا میتافزیکی که این مرحله در دوره روشنگری بوجود آمد و برای توضیح رویدادها بیشتر بالای نیروهای «طبیعت» متمرکز میگردد و نه بالای اولوهیت.

سوم : کنت در زمان خود مرحله سومی را زیر نام واصطلاح پوزیتیویستی (positivistic) یا مرحله علمی یاد نمود و هدف اش یافتن قوانین همواره صادق مسلط بر جوامع انسانی توسط یک روش علمی تعریف کرد و در طول عمر خود تلاش نمود تا راجع به قوانین جهان چیزهای بیشتری بیاموزد بگونه مثال : کنت در طول زنده گی خود که در آن محل ویاساحه زیست می نمود محققین و پژوهشگران بیشتر قوانینی حاکم بر جهان فزیکی را فرامیگرفتند جناب اسحق نیوتن (isaac Newton) -(1641-1727) قانون جاذبه زمین را کشف نمود و در پهلوی آن پیشرفت های چشمگیری در علوم طبیعی نیز توسعه یافت بخصوص در زیست شناسی که این کشفیات برای کنت نیز احساسی بخشید و او معتقد گردید که به کمک علوم میتوان در ارتباط جامعه نیز یک سلسله قوانینی را کشف کرد و توسط آن جهان اجتماعی را تحت مطالعه قرار داد برای کنت قانون جاذبه زمین و قوانین و حقایق چند در علم بیالوژی در واقعیت امر یک آزمایش ویک انگیزه ای بود که او را واداشت تا با استفاده از علوم طبیعی و کشفیات جدید بتواند به کشف قوانین حاکم بر زنده گی اجتماعی پی ببرد و مفهومی را تحت نام پوزیتویزم به جامعه شناسی پیشکش نماید یعنی راهی برای درک جهان بر بنیاد حقایق علمی او معتقد بود که با

این درک جدید و یا کشفیات علمی مردم میتوانند برای خود آینده بهتری بسازند
او روند تغیر زنده گی اجتماعی را پیش بینی نمود و خاطر نشان ساخت که
جامعه شناسان میتوانند نقش عمده و رهنمودی را در سیر تکامل و تغیر زنده گی
اجتماعی بازی نمایند .

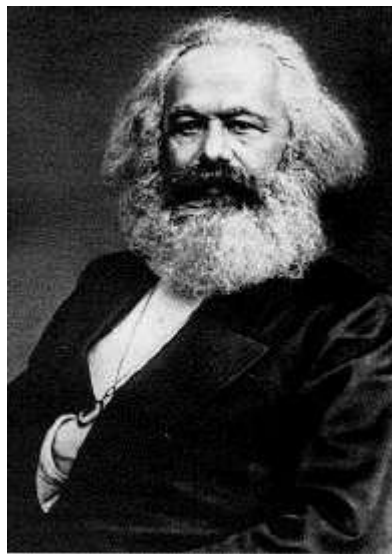
حوادث و رویداد های دیگر آن زمان تاثیرات بخصوص اش را نیز بالای
جامعه شناسی گذاشت . قرن نوزدهم و بیستم زمانی بود که بسیاری از تحولات
اجتماعی و تغیرات چندی در نظم اجتماعی بوجود آمد که مورد علاقمندی خاص
جامعه شناسان اولی قرار گرفت مثل جورج ریتزر (George Ritzer
1988-6-12) که در یادداشت های خود چنین یاد آور شده : انقلاب های
سیاسی گسترده اروپا در قرن هژدهم و نوزدهم منجر به تمرکز در مورد
تغیرات اجتماعی و ایجاد نظم اجتماعی گردید که تا هنوز نگرانی های
جامعه شناسان امروزی را در بردارد و از جانبی اکثریت این جامعه شناسان
اولیه را در رابطه به انقلاب صنعتی و ظهور سرمایه داری و سوسیالیزم ورشد
شهر ها و تحولات مذهبی بیشتر نگران ساخت تا جایکه ایشان چنین وانمود
ساختند که این همه رویداد ها و حوادث فکتور های چشمگیری اند که باعث
تغیرات قابل ملاحظه در زنده گی مردم گردید .



ماکس ویبر .

تیوریه و نظریات کلاسیک دیگر جامعه شناسی در اواخر قرن نوزدهم تا اوایل
قرن بیستم شامل کارل مارکس (Karl Marx) فردیناند تواینیس (ferdinand

(Toennies) ایمل دوروکهایم (Emlie Durkheim) ، ویل برید وپاریتو (Vilfredo Paerto) و ماکس ویبر (Max Weber) پیشگامان جامعه شناسی را میتوان بنام جامعه شناسان و مبتکرین اولیه جامعه شناسی دانست اکثریت این مبتکرین و جامعه شناسان اولیه در بخش های دیگر اکادمیک آموزش دیده بودند و یا دارای تحصیلات عالی بودند از قبیل تاریخ ، فلسفه و اقتصاد. تنوع و گوناگونی آموزش های این مبتکرین شامل موضوعات تحقیقی از قبیل : مذهب ، آموزش و پرورش ، اقتصاد ، روانشناسی ، اخلاق ، الهیات و معارف اسلامی بوده تنها به استثنای کارل مارکس به صفت پایدارترین جامعه شناس که نظریات او علم جامعه شناسی را بیشتر غنا بخشید و نظریات داهیانه او تا هنوز از ارزش والای خود در علم جامعه شناسی برخوردار است.



کارل مارکس

بیمورد نخواهد بود تا در مورد زنده گی نامه **اوگوست کنت** ، کارل مارکس و ماکس ویبر و ایمل دوروکهایم در اینجا تذکر بعمل نیاوریم :
زنده گی نامه ء اوگوست کنت:

اوگوست کنت «1798-1857» در شهر مونتپیلیر فرانسه متولد شد ، او به ارتباط بسیاری موضوعات و بیماریهای ونا بسامانی های چندی (1977) بحیث یک شاگرد ممتاز دارای مهارتهای اولیه بخصوص

در ریاضیات بود تا جای که برنامه های اش را به نمایش گذاشت ولی بعداً متوجه شد که پیامد برنامه اش در ارتباط ریاضیات قناعت بخش نبوده است ، روش رفتار کنت در مقابل مقامات مکتب و مدرسه بی تفاوت و دایماً با سرکشی همراه بود و او اکثر اً علیه اقتدار گرایان شورش می نمود و مقامات مقتدر او را به فعالیت های انقلابی متهم مینمودند که به همین دلیل او را نگذاشتند تا به تحصیلات اش ادامه دهد و دیپلوم یونیورسیتی را بدست آورد یعنی او را از پوهنتون و مدرسه اخراج نمودند و تحصیل اش به پایه اکمال نرسید و به نسبت سخنرانی های نهایت زنده که در پولی تخنیک پاریس بعمل آورد دیگر برای او فرصت ندادند که به تحصیلات اش ادامه دهد .

زنده گی روشنگری و روشنفکری کنت را میتوان به سه مرحله

تقسیم نمود :

* (ماربیر 1965- Marvir و 43-46) دوره ویا مرحله ایست که مدت شش سال را در برمیگیرد که این مدت را با قدیمترین شخص بنام کلودیا هنری دی روبروی (Claude Henri de Rouvroy) همکار سنت سیمون سپری می نماید . کنت فعالیت اش را درین زمان بحیث سکرتر سکرتریت سنت سیمون و بعداً به حیث همکار او آغاز به کار و فعالیت مینماید و در طول همین مدت که با این میتودولوژیست یعنی با سکرتر سنت سیمون کار و فعالیت مینماید به نسبت مشاجره و نزاعی که بین این مرد کهن سال و کنت برسر عدم ذکر نام کنت در یک نشریه بزرگ بامحتویات دارای تفاوت های فکری رخ میدهد در سال (1842) از کار با او صرف نظر میکند یعنی قطع همکاری خود را اعلان می نماید .

** کنت در مرحله دوم از زنده گی روشنگری اش به نوشتن آثار بیشتر روشنگرایانه اش پرداخت و راه های را بغرض گسترش پوزیتیویستی اش نیز سراغ نمود و او به این باور مندی رسید که جامعه شناسی با

استفاده از علوم طبیعی بشکل مشابه همچو مشاهدات و تجارب و مقیاسه ها میتواند گسترش یابد و یاریشده هایش را در جامعه گسترش دهد (5، 1977).
*** کنت در صفحه یا دوره سومی از زنده گی روشنگری خود بجای رسید که مسایل مذهبی را در نوشته های علمی اش جان داد ولی او در عوض به حیث پیشوای یک سازمان مذهبی احراز مقام کرد یعنی که جامعه شناسان آن زمان او را به حیث کشیش خویش برگزیدند، او یعنی کنت به «بهداشت و تداوی مغزی» نیز پرداخت که شامل مطالعه ای ادبیات کنونی بخصوص از ادبیات دوره ای و مطالعه منحصر بفرد از شاهکارهای چنداز گذشته شامل (ماروین 1965) ان بود و نتیجه آن چنین شد که توسعه علمی و فکری او بطور فزاینده هرچه گسترش یافت.

کنت در سال «1826» در هنگام سخنرانی دچار فروپاشی روانی گردید او مدتی را در مهاجرت و دوری از وطن سپری کرد و بعد از مبتلا به رنج و افسرده گی در خانه اش تحت تداوی قرار گرفت و با داشتن همین فروپاشی روانی عمر متباقی اش را گذرانید و در سال «1857» بعمر «شصت سالگی» چشم از دنیا پوشید.

زنده گی نامه کارل مارکس :

مارکس (1818-1883) در پروس که اکنون یک بخشی از خاک جرمنی میباشد به دنیا آمد. او در ابتدا به فراگیری در رشته ای حقوق داخل فاکولته حقوق و علوم سیاسی گردید و بعدا نسبت به علاقه ای که داشت رشته ای فلسفه را تعقیب نمود و در سال (1841) به عمر «23» سالگی درجه دوکتورا را در رشته فلسفه بدست آورد و نظربه علاقمندی که درین رشته داشت خواست به تدریس این رشته بپردازد ولی این چانس برای او میسر نشد سپس او خواست تا در رشته ای ژورنالیزم به مطالعه بپردازد که توانست درین بخش نیز شخص باصلاحیت گردید

واو در روزنامه رینش سایتونگ (Rheinische Zeitung) به نشر مقالات متعدد از قبیل مقاله بر سانسور مطبوعات ، مسایل اجتماعی، توضیح و تفسیر قوانین دولتی و... پرداخت ولی این روزنامه بسرعت توسط حکومت پروس مصادره گردید .

مارکس از دواج مینماید و به پاریس جایکه در آنجا با مسایل و مباحثات سوسیالیزم سخت درگیر میشود مهاجرت می کند ؛ او همچنان با فریدریش انگلیس (1820-1895) فرزند یک المانی صنعتگر متمول دوست نزدیک میشود کسیکه در فصل هفتم کتاب خانواده مقدس نقش ارزندهء رابازی کرده است آنها یعنی مارکس و انگلیس آغاز به دوستی می نمایند که این دوستی شان یک دوستی دوامدار و بیشتر بر همکاریهای فکری و روشنگری استوار بود آنها به نوشتن کتاب تحت عنوان خانواده مقدس آغاز بکار کردند کتاب فوق العاده مهم و با اهمیت که در آنجا نقش توده های وسیع را به حیث نیروی خارق العاده در تغیر اجتماعی برجسته میسازند (اپل بووم 1988، 25) انگلیس ، مارکس را در همه امورات و بخصوص در کارهای روشنگری و نوشتاری از نظر مالی همیشه کمک می نمود .

نوشته های مکرر کارل مارکس توجه دولت را بخود جلب کرد و آنرا به زیان خویش دیده ، مقامات دولتی در سال «1848» از او مطالبه نمودند که باید پاریس را ترک نماید ؛ مارکس رهسپار بلژیک شد و در آنجا سمت رهبری لیگ کمونیستهای بروکسل را بدست آورد و در سال «1848» مانیفست حزب کمونیست را نوشت که در واقعیت بحیث بیانیه اصلی حزب کمونیست بروکسل پذیرفته شد ، اما دولت وخت او را به نسبت فعالیتهای انقلاب اش از بروکسل اخراج نمود ؛ مارکس مبنی بر دعوت حکومت موقت برای مدت کوتاهی به پاریس بازگشت ولی به نسبت فعالیتهای که علیه سلطنت داشت اودوباره به پروس در جرمنی بازگشت و بحیث گرداننده و دبیر مجله دوباره احیا شده ای نوی رین

سایتونگ در کلن به فعالیت هایش آغازبکار نمود ولی دیری نگذشته بود که دولت پروس اورامتهم به تحریک و شورش توده‌ها نموده مجله را مصادره و او را از آنجا اخراج نمودند او به المان و سپس به پاریس برای مدت کوتاهی عزیمت نمود و سرانجام در سال «1849» به لندن رفت و در آنجا عمر باقیمانده اش را سپری نمود .

مارکس خانواده خویش را از طریق انتشار و فروش برخی از نوشته هایش درکنار انتشارات مقالات و نوشته های دیگرش درمورد نظریات نوین اجتماعی ، اقتصادی ، جامعه صنعتی ، مذهب ، مالیکیت ، کمونیزم و فلسفه تحت حمایت و پوشش قرارمیداد ، او همچنین به صفت خبرنگار خارجی برای نیویارک دیلی تریبون به سردبیری هوراس کریلی (Horace Greeley) مضامین و مقالات مینوشت ، مارکس همچنان درلندن با لیگ بین المللی کمونیستها ارتباط داشت و در پهلوی آن به حیث مدافع و وکیل کارگران المان درلندن نیز ایفای وظیفه میکرد او ساعاتهای طولانی را درموزیم لندن به مطالعه امار دربخش تجارت انگلیس و نظریات اقتصادی صرف مینمود . (اپل بوم 1988-27).

خانواده مارکس بسیار غریب و بینوا بودند ، آنها متکی به کمک های انگلیس بودند تامواد ضروری و خوار بارزنده گی شان را بشمول واری از صحت و جانجوری شان تامین نمایند سه فرزند کارل مارکس قبل از آنکه به سن بلوغیت برسند پدرود حیات گفتند مارکس و همسرش از یکمقدار میراثی که به آنها رسیده بود تا حدی توسط آن پول مشکل مالی شان را حل میکردند ولی هنگامیکه فرید ریش انگلیس با پدر خود درفابریکه نساجی همکاروپارتنرگردید ، او تمام بدهی ها و قروض مارکس را پرداخت و هم یک مشت پول را به قسم معاش مستمری برای رفیق خود تعیین نمود تا مارکس دچار بحران بیشتر مالی نگردد .

حالت صحی مارکس تدریجاً بوخامت میگراید او بطور دوامدار از سردردی معند و پرابلمهای چشم واز تشوشات جگر و سیستم هضمی

و تنفسی شکایت می نماید که این وضع باعث آن میشود تا مارکس نتواند به فعالیتهای روشنگرانه اش ادامه دهد، مارکس سرانجام به احتمال اغلب از سبب توبرکلوز و پلوریزی (تجمع آب بداخل پلورا) در سال «1883» چشم از جهان می پوشاند و دو سال بعد از آن خانم و دخترش نسبت مبتلا به سرطان نیز پدرود حیات میگویند از جمله اثرپر بهای اودو جلد بنام سرمای ه یا کپیتال باقی ماند که در سال (1977) زیور چاپ می یابد یعنی طبع و نشر میشود (اپل بوم 1988، فاینبرگ 1985 و زیگل 1978).

زنده گی نامه ماکس ویبر :

جامعه شناس المانی ماکس ویبر (1864-1920) پسر ارشد از جمله هفت فرزند پدرش بود اودر تماس دایمی با بسیاری از سیاستمداران بزرگ شد و از دانش و روشنگری فکری آنها بیشتر مستفید و بهره مند گردید ؛ اودر سال «1975» با دانش آموزان و محصلان پوهنخی های مختلف دوستی و آشنایی و تماس دایمی داشت و از سوی دیگر ماکس ویبر در سن جوانی تمایل بیشتر به مطالعه در بخش های گوناگون اعم از تاریخ سنتی ، مذهب ، اقتصاد و فلسفه داشت ، او در سن جوانی به نوشتن مقالات در موضوعات مختلف از جمله در مورد شجره خانواده کنستانتین و تاریخ سازمانهای ملل متمدن و قانون پوشش و پیشرفت و توسعه علاقه داشت که وقتاً فوقتاً در موارد متذکره مقاله می نوشت (ماکس ویبر 1975 و 45-46) .

ویبر در رشتهء حقوق به مطالعه پرداخت، مقالات زیاد اودر موضوعات مختلف به نشر رسیده است ، او یک شخص فعال سیاسی بود اودر پوهنتونهای فرایبورگ و بعداً در هایدلبرگ به تدریس پرداخته و به حیث مدرس ایفای وظیفه نموده است ولی به نسبت وضع صحی ناگوارش او نتوانسته تا یک مقام ثابت و دایم اکادمیک را بدست آورد (Bendix

1968.494) ویبر در اثر کار و فعالیت های بیشتر ی که انجام میداد وضع صحی او بیشتر بوخامت گراید وبعد از مرگ پدر دچار فروپاشی روانی گردید و این تشوش مانع کار و فعالیت های بیشتر او برای چند سال گردید ، او درین مدت زمان ترجیح داد تا باخانم اش به گشت و گذر و سفر های چندی بپردازد ؛ و سفر اخر او به دعوت یک دوست اش به ایالات متحده امریکا بو که ویبر در آن کشور در یک گردهمایی مقاله و مضمونی را تحت عنوان ساختار اجتماعی المان به مستمعین ارائه نمود او در عین زمان با آقای تی بوکر (T. Booker) در انستیتوت توسکیگی و اشنگتن (اکنون پوهنتون توسکیگی) نیز ملاقات نمود ؛ ویبر بالاخره از سفرش دوباره به هایدلبرگ بازگشت و به نوشتن مقالات اش در موارد مختلف ادامه داده ولی دیگر به تدریس در پوهنتون ها متذکره نه پرداخت (Coser 1977, 240-41).

ویبر در زمان جوانی به حیث جوان دواطلب به ارتش المان رجوع میکند و در زمان جنگ اول جهانی میخواهد در اردو مصدر خدمت شود او درین مدت زمان به حیث یک کارمند آگاه در شفاخانه های آنوقت آغاز بکار مینماید ، اما از آنجاییکه دولت آنوقت مرتکب اعدام های اسیران میگردد ویبر خواست تا این اعمال ضد بشری را طی مقالات انتقادی و علیه دولت بنویسد و بدست نشر بسپارد و بدین سان وضع چنان میشود که ویبر را تحت مجازات قرار دهند بهر صورت ویبر از ارتش به سیاست رجوع میکند و به نوشتن مقالات اش پیرامون موضوعات مختلفه آغاز بکار و فعالیت می نماید .

اثار و موضوعات جامعه شناسی ماکس ویبر بیشتر گسترده تر بودند که شامل انکشاف و توسعه سیاسی در روسیه ، روانشناسی اجتماعی صنعتی در میان کارگران کارخانجات و فابریکات و اقتصاد را میتوان تذکر داد ؛ او جامعه شناختی جامعه المان را که توسط فردیناند توینیس (Ferdinand Toennies) و جورج زیمل (Georg Simmel) جامعه

شناسان توصیف و تعریف شده بود یک موضوع سر درگم یافت ، اوبا علاقمندی خاصی به مطالعه موضوعات مذهبی پرداخت و مقالات چندی در مورد مذهب مسیحیت ؛ یهودیت ؛ مذهب هندویزم و بودیسم نوشت که معروفترین اثر او در تحت عنوان اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری است (5-1904) تاکید و بیبر بر آن بوده که سرمایه داری به اصول دکنترین مذهبی کالونیزم گیره خورده و یا بافت یافته است . حتی و بیبر در طول خدمت زمان جنگ متوجه میشود که اوباید به ارتباط جامعه شناسی مذهبی بیشتر مطالعه نماید .



ماکس و بیبر و همسرش مارین و بیبر

نگرانی و بیبر بصفت یک محقق و پژوهشگر در رابطه به این موضوع چنین بود که تعصبات تاثیرات بالقوه اش را بالای یافته های تحقیق و پژوهش میگذارد . او بصفت یک مدافع این را میدانست و یا به ارزش بیرون قید و شرط تحقیق و پژوهش که باید هر تحقیق بصورت آزادانه صورت گیرد معتقد و باورمند بود . آنطوریکه مارین و بیبر میگفت : او نگران و مخالف «بافتهای ناخودآگاه از درک واقعی توام با ارزشهای قضاوت» میباشد . یعنی که در ناخودآگاهی نه درک درست از واقعیت صورت میگرد . و نه هم قضاوت سالم پیرامون آن «1975-317» . همسر ماکس و بیبر ماریان و بیبر یک جامعه شناس و رزیده یک

فیمینست فعال در جنبش زنان شمرده میشد او دانش آموزان و دانش پژوهان را که شامل روسیها، پولیندیها، و متعلمین یهود بودند به روزهای یکشنبه بعد از ظهر بگرض بحث و مذاکره و گفتگو بمنزل خویش دعوت میکرد و از اشتراک اساتید دیگر بشمول سیاستمداران رادیکال امتناع می ورزید. ماکس ویبر در هر جای که از بی عدالتی چیزی درک میکرد و یا میشنوید همچو پیامبر به قهر و غضب می آمد و هر آنکس که به همچو بی عدالتی دست میزد انزجار خود را علیه او برملا میساخت و او به همچو افراد هیچ اعتماد و اعتقاد نداشت و سخت در مخالفت به آنها قرار میگرفت، ماکس ویبر از اثربیماری ذات الریه یا سینه بغلی در سال «1920» چشم ازین دنیا می پوشاند.

زنده گی نامه ایمل دورکهایم :

ایمل دورکهایم (1858-1917) اولین جامعه شناس آکادمیک فرانسوی و یکی از موسس و بنیادگذار جامعه شناسی و «پدر» نظم و انضباط و دسپلین شمرده میشود او همچنان یک شخص مصمم و باثبات و بنیاد گذار آگاه و هوشمند جامعه شناسی بوده و بخاطری دارای مقام عالی میتواند باشد که اونه تنها شرایط را بمطور تدریس این رشته و دسپلین در پوهنتونها مساعد میسازد بلکه بزرگی و آگاهی او درینجا است که او این علم و نهاد علمی را در جاهای دیگر نیز با محتوا و مضمون اش توسعه و گسترش میدهد، پس او در واقعیت اریچتر و مهندس بویژه این نهاد میتواند شمرده شود زیرا که او این نهاد را بیرون تزلزل فکری و اندیشوی بصفت یک علم و دانش در سطح پوهنتونها و موسسات آکادمیک به اندیشه گران و صاحبان دانش شناختاند و یاپیشکش نمود (کولین 1994، 45-46).

دورکهایم در ولایت لوران فرانسه متولد شد؛ پدرش خاخام «ربانی» و از سلسله یا از اسلاف طولانی خاخامها بود. درکهایم نیز تصمیم گرفت تا به صفت یک خاخام درآید او آماده گی اش را برنامہ ریزی کرد تا بمدرسه خاخام غرض فراگیری ربانیت داخل شود او به کاتولیزم

بیشتر علاقمند شد و خود را از جمله پیروان مذهب کاتولیک نامید ؛ و با داشتن همین عقیده او بجز از علاقمندیهای علمی مذهب کاتولیکی از همه چیزهای دیگر آن قطع علاقه نمود بهر صورت او در پی آن شد تا مذهب را در کارگرده گی ها و آثار جامعه شناسی اش بگنجانند؛ قابل یاد دهانی است که آخرین و مهمترین کار دورکهایم پژوهش و تحقیق در مورد اشکال ابتدایی زنده گی مذهبی میباشد «1912» که از او تاکنون بمیراث باقی مانده است که یک کار بس مهم در جامعه شناسی میتواند شمرده شود . درکهایم اوقات خویشتن را وقف کار و فعالیت ها در بخش دانش و فراگیری علم نمود او در طول زنده گی اش سخت کار و فعالیت نمود تا جامعه شناسی را به عنوان یک دانش و علم به پوهنتونها راه دهد و به آن جامعه اکادمیک بیوشاند ؛ درین مورد یکی از زنده گی نامه نویسان در ارتباط دورکهایم اینچنین میگوید : دورکهایم دیده گاه جامعه شناختی را با طیف گسترده ء آن نسبت به همه جامعه شناسان به استثنای کارل مارکس بیشتر القاء و گسترش داده است (تامبسیون 17، 1982-).



ایمل دورکهایم

او همچنان در زنده گی اش خود را وقف کار و فعالیت نمود تا برای ساخت یک سیستم علمی جامعه شناختی نه بعنوان یک پایان ویا

اختتام کار بلکه بعنوان وسیله ای برای سمتد هی اخلاقی جامعه اختصاص داد؛ با در نظر داشت همین مطلب اوبه المان سفر کرد بجایکه او در تحت تاثیر نفوذ تحقیقات و مشاهدات علمی روشنگرایان قرار گرفته بود دورکهایم در سال «1887» به حیث سردبیر و محرر مجله بنام لی انی سوسیولوژیک (L,Annee-sociologique) موظف میشود او از آنجایکه در مورد تحقیق و پژوهش بیشتر باور مند میباشد بیشتر تاکید میورزد و یا به این امر متقاعد میشود که مجله باید نسبت به هر موضوع و مطلب دیگر بیشتر باید جامعه شناسی را از نظر تحقیقی و پژوهشی گسترش دهد و زمینه آگاهی را به ارتباط آن بیشتر مساعد سازد او بالا فاصله در دهه های اخیر توانست از خود سه اثر معروف و مهم را بمیراث باقی گذارد که عبارت اند از تقسیم کار در جامعه (1964a,orig. 1893) قواعد و اصول جامعه شناختی (1964b,orig 1895) و خودکشی (1966, orig. 1897).

2 - توسعه و گسترش جامعه شناسی

آنچه که در فوق متذکر شدیم این بنیانگذاران اولیه جامعه شناسی با استفاده از دیدوسیعی که از جامعه شناسی داشتند (تورنر 1998،250) در مشارکت با اوگوست کنت که اینهمه جامعه شناسان اولیه مهارتهای در علوم دیگر داشتند ولی در عین زمان همه ای آنها در تلاش ان شدند تا به ارتباط جامعه و جامعه شناسی توجهی قابل ملاحظه ای بنمایند و بذل مساعی نمودند تا در مورد تغییرات اجتماعی راهها و وسایلی را کشف و سراغ نمایند تا باشد که زمینه تغییر اجتماعی میسر گردد پرواضح است که رسیدن به همچو هدف مستلزم کار و فعالیت هد فمند میباشد و با در نظر داشت همین دلیل میتوان بگونه مثال از کار و تلاشهای خستگی ناپذیر کارل مارکس (1818-1883) اقتصاد دان و فیلسوف معروف در اروپا یاد اوری کرد، او با دوست و رفیق صمیمی اش فریدریش انگلیس

(1820-1895) که فرزند یک صنعتگر متمدن آلمانی بودی که در مقابله با نابرابری طبقاتی در مدت زمان اوج انقلاب صنعتی دست به مبارزه زدند و به نوشتن و نشر مقالات و مضامین متعدد دست بکار شدند در زمانی که اکثریت صاحبان فابریکات از ثروتمندان افسانوی وکلان بودند و کارگران تهی دست و ناتوان و فقیر را مورد حمله و استثمار بیرحمانه قرار میدادند و با سپری شدن هر روز این سوراخ نابرابری طبقاتی هرچه گشاده تر میگردد تلاش این صاحبان کارخانجات برای هرچه بهتر شدن نقش ساختارهای اقتصاد سرمایه داری بود که گسترش همچو ساختارهای اقتصاد سرمایه داری را کارل مارکس در تدوam این نابرابری طبقاتی میدید و به همین جهت او همه جانبه تلاش بخرج داد تا ماهیت و سرشت سرمایه داری را افشا نماید، در آلمان ماکس ویبر (1864-1920) فعال سیاسی ایمل دورکهایم در فرانسه در تلاش و در حمایت از اصلاحات آموزشی فعالیت‌های فراموش ناشدنی را بخرج داده اند.

در ایالات متحده امریکامددگاریا کارمندان اجتماعی و جامعه شناسان از جمله جامعه شناس معروف امریکای بنام «جان آدامس» (Jane Addams) بصفهت یک فعال سیاسی بخاطر تامین حقوق مهاجرین دست به مبارزه زد؛ او در شیکاگو اطاق گفتگو را بغرض حل و فصل مشکلات و منازعات تحت نام هال هوس (Hull House) ایجاد کرد او همچنان بمنظور تسهیلات خدمات اجتماعی یک سلسله تا سیسات و نهادها را از قبیل کودکانها؛ مواظبت‌های روزانه؛ دفترکار و کتابخانه‌ها را بوجود آورد و از جانبی هم در انکشاف و فراهم آوری فعالیت‌های هنری دست به تاسیس گالیره‌های هنری؛ کلاسهای موسیقی و هنر زدو برای بار اول به ایجاد یک تیاتر کوچک در ایالات متحده امریکا پرداخت. لیویس ورت «Louis Wirth» (1897-1952) کلینیک حمایه و واریسی و یار شاد کودکان و بیمارستان

را ایجاد کرد و از طریق گسترش و توسعه جامعه‌شناسی و با استفاده از محتوی و مضمون جامعه‌شناسی دستورالعمل‌ها و رهنمودهای آموزشی را بخاطر بهبود وضع کودکان تنظیم و ترتیب نمود (Kallen 1995). جامعه‌شناسان همین‌اکنون نیز با احساس مسولیت در تلاش‌اند تا مردم را با برخی از جنبه‌های زنده‌گی روزمره بیشتر آشنا سازند مثلاً ویلهیم فوت ویت «William foot whyte» (1914-2000) توصیه مینماید که بغرض بهبودی و توسعه خدمات رستوران‌ها ستاف درحال انتظار از آشپزها را در آشپزخانه بغرض گرفتن سفارش‌های غذایی باید موظف ساخت تا از مدعیون استقبال خوب و بهتر صورت گیرد و یالینکه روبرت لی مارتین «Robert K. meerton» (1910-2003) توصیه مینماید تا بغرض بهبود دنیای دادوستد و کسب و کار گروپی را موظف سازند که با شناخت از جامعه چنان شرایط بهتری را که مورد پذیرش گیرنده و دهنده باشد آماده سازند یعنی یک سلسله رهنمودهای ساده و سهل و کار بر را بخور مردم تهیه و تدارک



نمایند

ویلهم ادوارد بورگهارد ایدا برمیت ویلس برمیت

ازجانبی میتوان خاطر نشان ساخت که جامعه‌شناسان همچنان بطور پیگر و فعال درگیر جنبش حقوق مدنی نیز بوده‌اند مثلاً بگونه مثال

خانم ایدا برمیت ویلس (1862-1931) با شوهرش فردینان برمیت صاحب امتیاز یک روزنامه در امریکا علیه جرایم بشری مقالات هنگفتی نوشت که خودش نیز یکی از فعالین جنبش زنان میباشد. ویلیهم ادوارد بورگهارد (1868-1963) جامعه شناس و مورخ و فعال حقوق مدنی علیه تبعیض نژادی مضامین و مقالات زیادی بدست نشر سپرد و در نهضت و ارتقای جامعه شناسی و وظیفه اخلاقی خود را بجا نموده است که فعالیت هایش ثبت تاریخ جامعه شناسی میباشد.

همچنان گونر مایردل (Gunnar Myrdal's) - (1944) تلاش بخرچ داد تا توجه مردم عامه امریکارابه معضله حاد تبعیض نژادی معطوف گرداند و درکنار این جامعه شناس بسی جامعه شناسان چه ازجنس زن و مرد طی یک قرن علیه تبعیض نژادی این پدیده شوم اجتماعی در ایالات متحده امریکا مبارزه کردند تا توانستند تبعیض نژادی را از نگاه تفاوت رنگ و جنس و به زباله دان تاریخ بیا فگنند و عاملین این پدیده شوم را ب مردم امریکا و جهان بشناسانند که به حق این کار سترگ تمام جامعه شناسان میتواند تلقی شود

تذکر: تاریخ جامعه شناسی مبحث بس بزرگ و گسترده میباشد که اگر تاریخ مکمل جامعه شناسی درقید تحریر بیابید به صفحات هنگفتی ضرورت دیده میشود که باید روی آن نوشت ولی تحمل و حوصله این جزوه از نوشتن تاریخ جامع و مکمل جامعه شناسی عاجز میباشد اگر خواننده گان عزیز مایل باشند که تاریخ مکمل جامعه شناسی را بخوانند میتوانند به انترنیت و مقالات جامعه شناسان مراجعه نمایند.

مقدمه ای بر روش جامعه شناسی/جامعه شناختی

پیشگفتار: هدف ما درین فصل معرفی روشی است که در اثر مطالعات جامعه شناسان از زنده گی اجتماعی بدست آمده است. در این فصل از امارگیری ویا از جزئیات روش های خاص در تحقیقات جامعه

شناختی صحبت بعمل نمی آید؛ هدف اصلی درین فصل توضیح مطلبی است و آن اینکه جامعه شناسان چگونه فراتر از درک عقل سلیم در تلاش برای توضیح ویا درک پدیده های اجتماعی می باشند .

توسعه علم اجتماعی: در فلسفه باستان بین علوم انسانی یا هنرهای لیبرال ریاضیات و مطالعه تاریخ ، شعر و ادب و سیاست تفاوت و تمایز وجود نداشت ، تفاوتها با انکشاف اثبات ریاضیات بدست آمد که تند ریجاً درک این تمایزات بین رشته های علمی و علوم انسانی و وجوه این تمایزات را ارسطو در اثر مطالعه سیارات و شعر با همان روش یکسانی و همانندی را که بکاربرد بوجود آورد. ولی افلاطون مخلوط از اثبات هندسی را با نمایش ویا بکاربرد در وضعیت از دانش ذاتی و طبعی مورد مطالعه قرار داد .

این وحدت و یکجا بودن علم ویا ترکیب علوم بشکل توصیفی آن در زمان توماس هابز (Thomas Hobbes) با استدلالی که مینمود باقی ماند او چنین میگفت : استدلال استقرایی یا قیاسی از بدیهات یا اصول کلی خود ایجاد یک چارچوب علمی است ؛ کتاب او تحت نام لیویاتان (Leviathan) در توصیف علمی از سیاست مشترک المنافع میباشد در عرض چند دهه کار توماس هابز انقلابی در ترکیب و تشکیل علوم صورت گرفت بویژه با کار اسحق نیوتن (Isaac Newton) در فزیک انقلابی رخ داد که بعداً بنام فلسفه طبعی مسمی گردید یعنی با کار نیوتن تغییر مشخص در چارچوب و ترکیب علوم بوجود آمد که با در نظر داشت آن افراد به درک آنچه که چه چیزی علمی است قادر گردیدند ؛ در اینجا یک مطلب مهم قابل تذکر است و آن اینکه نیوتن در واقعیت صرفاً به حیث الگوی تسریع کننده این روند بود اما تمایز مهم و با اهمیت در اینست که نیوتن در روند مطالعه ریاضی از یک واقعیت مستقل فرض شده بحیث یک ناظر و با کارکردی که بوسیله خودش

صورت گرفته بر آن حکم می راند . برای فیلسوفان همان دوره بیان ریاضی همچو آرمان های فلسفی بصورت نمادی از روابط طبعی بشر شمرده میشد و از همان قوانین و اقیعتهای فیزیکی و معنوی تکانه میخورد و یا بحرکت می افتید بگونه مثال بلایز پاسکال (Blaise Pascal) گات بریدلیابنیز (Gottfried Leibniz) و جانیس کیپلر (Johannes Kepler) هر کدام آنها مثال ریاضی را بعنوان مدل برای رفتار و سلوک انسان مستقیماً بشکل مثال و نمونه پیشکش مینمودند در مورد پاسکال نظریه معروف اش بنام شرط بندی (شرط بندی پاسکال از موضوع ندانم گرایبی بحث میکند یعنی از موضوع کسانی که نسبت به وجود خدا اطمینان ندارند او دلیل می آورد که نتیجه عاقلانه تر آنست که بوجود خدا اعتقاد داشته باشیم) یا از لاینز مخترع محاسبات دودویی (binary computation) و نظریه کیپلر در ارتباط مداخله و راهنمایی فرشتگان به سیارات رامیتوان بخاطر آورد .

در عرصه ها و قلمرو رشته های دیگر فشاری برای اظهار نظر در قالب ارتباطات و روابط ریاضیات ایجاد میشود که همچو روابط ایجاد شده ریاضیات رابعد از یک تجربه ای زمانی بنام قوانین یاد نمودند «رجوع شود به فلسفه علم» قوانینی که بصورت یک مدل فزاینده در تمام رشته های دیگر از آن تقلید صورت میگرفت و در اواخر قرن نوزدهم برای بکارگیری و یا بکاربرد معادلات بمنظور بیان پیرامون رفتار و سلوک انسان تلاش همه جانبه و فزاینده ای مشترک صورت گرفت ؛ که در بین این همه تلاشها در قدم نخست به ارتباط قوانین فیلولوژی (زبان شناسی) سعی بعمل آمد و در پی آن شدند که با گذشت زمان نقشه ای را بغرض آوردن تغییرات در صوت و صدای زبان بوجود آورند یعنی در صد ساختار صوت و صدای زبان شدند بهر صورت در پهلوی این همه اقدامات و تلاش های بشری آن چیزیکه قابل تذکر است اینست که در اوایل قرن بیستم موجی از تغییرات در علوم پدید آمد و این تغییرات

چشمگیر و هنگفت که محصول تلاش های انسانها خبیر و متفکر میباشد و باید یادآور شد که انسانها آگاهی از این تغییرات را از مطالعه امار و احصایه گیری ها بدست آوردند که این خود محصول علم ریاضیات میباشد یعنی این علم ریاضی است که بواسطه آن معلومات ها بشکل امار و داده ها پیشکش میشود .

اولین متفکرانی که ترکیب تحقیق علمی را با روابط انسانی کشف کردند سگموید فروید (sigmund freud) در اطریش و ویلیهم جمیس (william james) در ایالات متحده امریکا بودند . نظریه ویاتیوری فروید ناشی از عملکرد ذهن و کار ویلیهم جمیس مبتنی بر روانشناسی تجربی بود که تاثیرات هنگفتی بالای کسانی که ایشان در دنبال آنها بودند از خود بجا گذاشت .

با پدید آمدن ایده و نظریه ای اندازه گیری کمی (quantitative) در علوم فزیک (مراجعه شود به قاعده کلی و معروف لارد روترفورد «Lord Rutherford» که هر دانش و علم که اندازه گیری عددی شده نتواند آن خود ناشی از کم دانشی بی علمی کسی میباشد که اندازه گیری عددی کرده نمیتواند) مرحله درک مفهوم علوم انسانی مجموعه ای شبیهه بحیث پیشداوری از علوم اجتماعی است .

روش علمی :

روش علمی عبارت از روند و یا جریان اساسی برای بکار گیری تحقیقات علمی و کسب دانش جدید است که بر اساس شواهد و مدارک قابل اثبات بدست می آید ؛ جامعه شناسان علاوه بر بکار گیری روش علمی در تحقیقات خود چندین مقاصد مختلف دنیای اجتماعی را نیز در ذهن خویش مجسم می سازند مانند علوم فزیکی (یعنی شیمی و فزیک) ؛ جامعه شناسان همچنان میتوانند و یا اغلباً علاقمند به آینده نگری نتایج پدیده ها با توجه به آگاهی از متغیرها و روابط در برگیرنده

آنها نیز میباشند؛ این عقیده که یک دانشمند کار خود را بامشاهده حقایق شروع میکند با قدری تامل وتانی نشان خواهد داد که این امر امکان ناپذیر است ؛ کدام حقایق ؟

میلونها حقایق در جهان وجود دارد که هرگز کسی نمیتواند تمام آنها را مورد مطالعه قرار دهد ؛ لذا اولین کاری که یک دانشمند باید انجام دهد این است که در مورد آنچه میخواهد مطالعه کند تصمیم باید بگیرد و خود را به موضوع تحقیق مورد نظر محدود و متمرکز سازد.

روش و میتود پژوهشی و تحقیقی که جامعه شناسان آنرا بکار می برند معمولاً متفاوت و تا حدی پیچیده است با اینحال که در مواقع ضروری اغلباً فنون ریاضی و آماری مشکل را باید بکار ببرند ؛ پژوهنده ممکن است اطلاعات خود را بوسیله پرسشنامه ها و یا ذریعه مصاحبه ها جمع آوری کند ؛ پرسشنامه ها میتواند برای پی بردن به طرز تلقی و محرک های ناخود آگاه افراد از طریق ازمونهای برای شناخت عکس العمل ها بکار برده شوند .

یک روش تحقیقی و پژوهشی دیگری در جامعه شناسی «تجزیه و تحلیل» است ، جامعه شناس برای تایید درستی تیوری و یا نظرش به مورخ و داده ها مراجعه مینماید .

پس این شکل برخورد ها و بکارگیری روشها بغرض شناخت واگاهی از حقیقت مورد نظر میتواند با بکار گیری علم بدست آورده که سرانجام همچو برخورد را به علم اصطلاح پوزیتویزم (positivism) « و یا بادقت هرچه بیشتر میتوان بنام تجربه گرایی یادکرد » داده اند ؛ برخورد پوزیتویستی به علوم فزیک بگرض توضیح و پیش بینی پدیده های اجتماعی بوده که اغلباً با استفاده از یک روش کمی (quantitative) صورت میگیرد اما برخلاف علوم فزیک (شیمی و فزیک و غیره) جامعه شناسی (و دیگر علوم اجتماعی ما نند انسان شناسی) نیز اغلباً به ساده گی به دنبال درک پدیده های اجتماعی میباشد

ماکس ویبر این شکل برخورد را به زبان المانی «verstehen» که معادل انگلیسی آن فهمیدن «understanding» است یاد نمود و یا پرچسپ نمود، درین روش هدف اینچنین است که برای درک یک فرهنگ یا پدیده در شرایط خاصی که پدیده موقیعت دارد به آن باید برخورد صورت گیرد نه آنکه برای آینده نگری و درک آن به انکشاف و توسعه یک تیوری تلاش صورت گیرد؛ هر دو نوع برخورد از یک روش علمی اند که منظور از جمع آوری مشاهدات و داده ها در ارتباط فرضیهء پیشنهاد شده و از مون فرضیه ها بخاطر تدوین نظریه مورد نظر میباشد که مراحل آن را با توضیح جزییات و مشخصات آن ذیلاً به بحث میگیریم:

جامعه شنا سان با استفاده از مشاهدات شان، فرضیه ها و استنباطات را بمرض توضیح و تشریح پدیده های اجتماعی قابل بحث در قالب نظریه ها و یا تیوریهها مدنظر میگیرند، آینده نگریهای این تیوری و یا نظریه ها اولاً مورد آزمایش قرار میگیرد اگر پیش بینی چنین معلوم شود که درست است در آن صورت این تیوری و یا نظریه زنده می ماند و یا پذیرفته میشود و در غیر آن یا تعدیل میگردد و یا بکلی حذف میشود؛ لهذا روش معمولاً بعنوان یک اصل منطقی در واقعیت امر یک عملکرد علمی است؛ و علم در اساس خود به معنی یک ساختار بسیار محتاط و قابل تحمل و درک از شواهد جهان طبعی میباشد.

عناصر متشکلهء یک روش علمی تکرار و بازگشت در چهره مرحله به شرح زیرین میباشد:

اولاً- خصوصیات و یا مشخصات (کمی «quantity»، عملیاتی، مشاهده و اندازه گیری).

ثانیاً- فرضیه (نظری، توضیح فرضی از مشاهدات و اندازه گیری).

ثالثاً- پیش بینی (استنتاج منطقی از فرضیه ها).

رابعاً- تجربه یا آزمایش (از مون تمام بالایی های متذکره در علوم

اجتماعی ، آزمایش های واقعی باید باشند که اغلباً با اشکال مختلف از تجزیه و تحلیل داده ها بدست می آید که با جزییات آن ذیلاً مورد بحث قرار میگیرد).

اولاً – خصوصیات : یک روش علمی بستگی به توصیف دقیق یک موضوع قابل تحقیق داشته و در پی جستجوی خواص و کرکتر موضوع متذکره بوده که این تفکر دقیق همچنان نیاز به برخی تعریفات و مشاهدات دارد و دسترسی به مشاهدات اغلباً مستلزم اندازه گیری و یا شمارش دقیق و درست میباشد.

جمع آوری دقیق و سیستماتیکی اندازه گیری ها یا شمارش مقادیر مربوطه و مطلوبه اغلباً باید در موجودیت تفاوت های جدی بین شبهه علوم مانند کیمیاگری و علم همچو شیمی در نظر باشد؛ اندازه گیری های علمی معمولاً در جداول ، نقشه ها ، و دستکاری های اماری بگونه ربط و برگشت تنظیم و ترتیب میگردند اندازه گیری ها همچنان در یک محل و یا محیط کنترولی بوسیله آزمایشگاهها و لابراتوارها نیز ساخت و ساز میشود و یا توسط اشیای غیرقابل دسترس و یا غیرقابل دستکاری شده کمتری و یا بیشتر بدست می آید مثل موضوع نفوس شماری و یا نفوس جمعیت های انسانی . از سوی دیگر بعضاً برای اندازه گیری ها نیاز به ابزار تخصصی دیده میشود مثل ترمامیتر (برای اندازه گیری درجه حرارت) ، سپکتروسکوپ (spectroscpe) اولتومتر (voltmeter) و انکشافات علمی دیگری در زمینه های مختلف که ابزار و وسایل جدیداً قابل اختراع را نیز ممکن با خود همراه داشته باشد که برای اندازه گیری ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت .

اندازه گیری خواهان بکاربرد تعریف عملیاتی از مقادیر زیربط (همچنانیکه عملیاتی شناخته میشود) بوده که به صفت کمیت های علمی تعریف و توضیح گردیده است و قابل یادآوری است که این کمیت های علمی را چگونه میتوان اندازه گیری نمود انچنانیکه در تقابل آن بعضی

ابهامات بیشتر و نادرست یا تعریف ارمانی قرار دارد تعریف عملیاتی از یک چیز و آنهم بصورت مقایسوی اکثر ادراکاتکا به معیار های ستاندارد صورت میگرد تعریف عملیاتی از جرم (mass) در نهایت امر متکی بابکار بردیک ارتیفیکت (محصول مصنوعی) میباشد مثل یک کیلوگرام معین از پلاتین که در لابراتوار فرانسه نگه داشته شده است ، عملیات یک متغیر مختصرآبه معنی ایجاد و خلق نمودن یک تعریف عملیاتی است و برای کسی مفهومی را در بردارد که میخواهد آنرا اندازه نماید و اینکه این اندازه گیری چگونه انجام میشودکا ر بس مهمی است که باید آنرا به اندازه کافی و با دقت تمام انجام داد که باید پژوهشگران مستقل با استفاده از توضیحات که شما داده اید و اندازه گیری را که تکرار در تکرار شما نموده اید قادر باشند که آنرا بکار برند .

بعضی اوقات تعریف علمی یک اصطلاح از آنچه که باید بطور طبیعی در یک زبان بکار برده شود تفاوت قابل ملاحظه می نماید بگونه مثال جنس (sex) و جنسیت (Gender) اغلباً به شکل رد و بدل و یا یکی در جای دیگر بشکل تعویضی در مکلمات و گفتگوهای مشترک مورد استفاده قرار میگیرد در حالیکه معنی آنها در جامعه شناسی کاملاً از هم متفاوت و متمایز است ؛ مقادیر علمی اغلباً توسط واحد های مختص بخود آن دانش اندازه گیری میشوندکه بعداً میتوانند در واحدهای متعارف فزیک در هنگام برقراری ارتباط کاری مشخص شوند.

اندازه گیری در کار علمی معمولاً همچنان بعضاً با تخمین و عدم قطعیت همراه میباشد ، عدم اطمینان اکثراً با اندازه گیریهای تکراری از مقادیر مورد نظر بملاحظه میرسد عدم قطعیت همچنان ممکن است با در نظر گرفتن عدم قطعیت مقادیر منحصر بفرد بعضاً در زمینه مورد استفاده قرار میگیرد که تعداد از چیزها از جمله سرشماری نفوس یک کشور در یک زمان خاص نسبت محدودیت های میتود و روش صورت گیرد ؛ شمارش یا کونت ممکن است تنها یک نمونه از مقادیر مورد

نظر باشد که توام با نشانی عدم اطمینان و براساس بکارگیری نمونه گری یا سمپلنگ بستگی داشته باشد(رجوع شود به قضیه حد مرکزی).
ثانیاً: توسعه فرضیه: قبل از همه ضرورت آن دیده میشود که مفهوم و تعریفی از فرضیه را بدانیم تا در ارتباط انکشاف و توسعه آن معلوماتی بدست آوریم. برای روشن شدن مفهوم فرضیه از تذکر مثالهای بسیار ساده و روزمره آغاز می‌نمایم، فرض کنید برق خانه ای قطع شده و صاحبخانه با مشکل روبرو گردیده است. مسله او اینست که علت قطع برق چیست؟ در عالم تفکر و با استفاده از معلومات کلی و شناخت های قبلی چند حدس یا گمان به ذهن او خطور میکند، مثلاً امکان دارد فیوز کنتور دچار مشکل شده باشد (پریدن یا سوختن) امکان دارد عیب از اتصال سیم های برق باشد. امکان دارد از کارخانه ویا از استیشن برق قطع شده باشد و نظایر آن، اینها همه تصورات ذهنی هستند که برای او بوجدمی آید و منشا آنها نیز معلومات قبلی و قضایایی کلی هستند که نسبت به آنها آگاهی دارد.

تمام این تصورات ذهنی که برای او بوجد می آید در واقع فرضیه های اند که در ذهن او نقش می بندند و ذهن او را به سمت آن جهت میدهند تا تلاش کاوشگرانه و خود را برای حل مسله قطع برق در راههای معدودی بکار گیرد. او بلا فاصله شروع به کاوش و تحقیق در مورد هر یک از آنها میکند و ابتدا سهل ترین و محتمل ترین راه را انتخاب و آزمایش میکند؛ مثلاً ممکن است ابتدا به سراغ کنتور برود و با مشاهده آن از وضعیت فیوز آگاهی یابد اگر مشکل از آن باشد اقدام به رفع اشکال نموده جریان برق را برقرار می کند؛ درین صورت مسله حل میشود ولی اگر قطع برق از فیوز نبود به سراغ احتمال بعدی میرود. اگر این بار نیز به نتیجه نرسید. به سراغ موارد بعدی می رود و یکی پس از دیگری آنها را آزمایش میکند تا راه حل پیدا شود. این مثال ساده حامل پیام های خوبی برای کسی است که میخواهد

روش تحقیق علمی را یاد بگیرد ؛ زیرا به زبان ساده او را با مفهوم مسأله، فرضیه سازی ؛ روش جمع آوری اطلاعات و آزمایش فرضیه و نتیجه گیری آشنا میکند و نقش فرضیه را در وصول به هدف تحقیق واضح می نماید .

در تعریف فرضیه میتوان گفت : فرضیه عبارت است از حدس یا گمان اندیشمندانه درباره ماهیت ؛ چگونگی و روابط بین پدیدهها؛ آثیا و متغیرها که محقق را در تشخیص نزدیکترین و محتمل ترین راه برای کشف مجهول کمک می نماید. بنا بر این فرضیه گمانی است موقتی که درست بودن یا نبودنش باید مورد آزمایش قرار گیرد؛ فرضیه بر اساس معلومات کلی و شناخت های قبلی با تجارب محقق پدید می آید این شناخت ها ممکن است بر اساس تجارب یا مطالعات قبلی باشد ، از منابع شفاهی بدست آمده باشد ؛ یا در جریان مطالعات ادبیات تحقیق حاصل شده باشد. در هر صورت ؛ مجموعه منابع مزبور می تواند ذهن محقق را آماده نماید تا درباره چگونگی متغیرها و روابط آنها در تحقیق مورد نظر حدس بزند و پیش بینی بعمل آورد و حاصل آنرا در قالب قضایای حدسی و خبری تدوین نماید . نکته ای که باید درباره تفاوت فرضیه با نظریه و قوانین یا معلومات کلی بیان شود این است که نظریه و قوانین عمدتاً مشتمل بر قضایای کلی و عمومی هستند و به مورد خاصی تعلق ندارند و می توانند مصادیق زیادی داشته باشند ؛ در حالی که فرضیه حالت کلی ندارد و مختص مسأله تحقیق است که از قضایای کلی ناشی می شود ولی در قلمرو یک تحقیق خاص شکل می گیرد ؛ به همین دلیل ، یک محقق نمی تواند فرضیهء خود را در تحقیق مورد نظرش بصورت قضیه کلی بیان نماید هر چند از قضایای کلی به روش قیاسی و از کل به جزء فرضیه سازی نماید و فرضیه های خود را با قضایای کلی استنتاج نماید ، باید مفاهیم و اصطلاحات مربوط به فرضیه را به مسأله تحقیق خود محدود کند .

و یا میتوان فرضیه را حدس علمی اثبات شده دانست که رابطه بین چند مفهوم را بشکل خبری بیان می کند پس فرضیه یک حدس علمی است .

یک فرضیه شامل توضیح پیشنهاد یک موضوع بوده که بطور کلی یا توضیح کننده ای علت و معلول موضوع موردنظر میباشد و یا اینکه پیشنهاد برخی از ارتباطات بین دو متغیر را تدارک می بیند . اگر این توضیح به ارتباط علت و معلول باشد در آنصورت حداقل دربرگیرنده یک متغیر وابسته (غیر مستقل) و یک متغیر غیر وابسته (مستقل) میباشد متغیرها پدیده های قابل اندازه گیری اند که ارزش آنها میتواند تغیر کند (بگونه مثال وضعیت و یا حالت یک صنف از پایین را به وضعیت بالا بردن) . یک متغیر وابسته متغیری است که ارزش فرض شده آن بحیث یک پیامد و یا نتیجه از متغیر مستقل تغیر کند و یا به عباره دیگر ارزش از یک متغیر وابسته منوط به ارزش متغیر مستقل میباشد البته این فرض و حتمی است که رابطه واقعی بین این دونوع متغیر ها وجود دارد. یک متغیر مستقل متغیری است که مقدار آن توسط آزمونگر دستکاری میشود (یا درمورد تحلیل غیر تجربی ، تغیرات در جامعه و اندازه گیری) ممکن به طور مثال به وضوح دستکاری راهنمای شده باشد یا به عباره دیگر شاید که با توضیح دستکاری و مانوپولیشن راهنمای شده باشد درین مطالعه نفوذ و تاثیر جنسیت در ارتقاء متغیر مستقل جنسی/جنس خواهد بود ولی ارتقاء متغیر وابسته و تغیر در آن در ارتقاء این فرضیه همه جانبه در وابستگی به جنس میباشد .

دانشمندان با استفاده از هر آنچه که آنها توان آنرا دارند آنرا مورد استفاده قرار میدهند و به ایجادگری و خلاقیت شان می پردازند چه که توان این خلاقیت شان را از اثر مطالعات شان در زمینه های مختلف چه نظری و یا چه در رشته های دیگر و یا قیاس کل از جز بصورت سیستماتیک و غیره بدست آورده اند برای توضیح یک پدیده بکار می بندند و آنرا

تحت مطالعه شان قرار میدهند ، در اینجا هیچ رهنمودی قطعی برای ایجاد فرضیه وجود ندارد تاریخ علم است با داستانهای از دانشمندان با ادعاهای پرتو افکن از وقوع الهام و احساس در آینده ها که بعداً انگیزه آنها را بحیث شاهد بخاطر حمایت و یار د ایده های خود بکار می برند و یا آنرا نگه میدارند.

ثالثاً: پیش گویی: یک فرضیه مفید با استدلال استقرایی یا قیاسی که بشکل تجربوی مورد بررسی قرار گرفته باشد میتواند قادر به پیش بینی و یا پیشگویی باشد در صورتیکه اگر نتیجه بدست آمده از تجربه مغایر و یا در تضاد با پیش بینی قرار گیرد در آن صورت فرضیه تحت آزمایش نادرست و ناقص بوده و نیاز به تجدید نظر دارد و یا اینکه ضرورت آن پیش می آید که از آن بکلی صرف نظر شود و از سوی دیگر اگر فرضیه مورد آزمایش نتیجه پیش بینی را مورد تایید قرار دهد پس ممکن است که فرضیه درست باشد ولی با آنهم ایجاب میکند که در معرض آزمایش بیشتر قرار گیرد ، چونکه پیش بینی در اشاره به طرح و برنامه ریزیهای تجربی تا هنوز نا معلوم و یا یک پیش بینی (ناشناخته شده) متفاوت از یک پیش بینی که نتیجه آن (که همین اکنون شناخته شده است) معلوم و شناخته شده است میباشد .

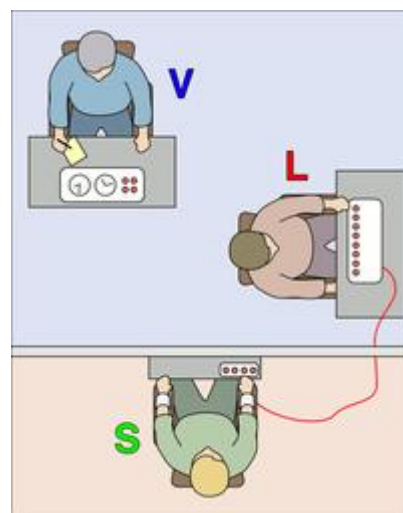
رابعاً: تجربه یا آزمایش: وقتی که یکبار اقدام به پیش بینی صورت گیرد چنین است که یک آزمایش طراحی شده یا یک فرضیه ای برنامه ریزی شده را تحت بررسی و آزمایش قرار میدهند و بعداً نتایج حاصله از آن هرگز خالی از دو حالت نخواهد بود یا که نتیجه بدست آمده از آن درست و مورد تایید میباشد و یا برعکس نتایج بدست آمده از فرضیه نا درست و غلط میباشد .

دانشمندان در مورد کسانی که به انجام یک آزمایش دست بکار میشوند از مایشاتو فرضیه های آنها را با نگرش شفاف و با صراحت همه جانبه

موردتوجه و نقد قرار میدهند و برآن تاکید می ورزند که نگهداری سوابق آزمایشات و یا فرضیه ها ضرور بوده که گذارشات و نتایج حاصله تجربیبات باید ثبت و درج گردد یعنی مدارک و شواهد از اثربخشی و یک پارچگی از این روش را باید در نظر داشت. آنها یعنی دانشمندان همچنان در باز تولید نتیجه تجربی نیز کمک و دستیاری می نمایند .

تمامیت و یک پارچگی آزمایش باید با معرفی کنترول آن مسلم و قطعی باشد، در اینجا دو آزمایش تقریباً همانند و یکسان میباشند تنها در یک از آنها عامل و یا سبب در حال آزمایش متفاوت اجرا میشود و این اجرات به تجرید هر پدیده دارای علت و معلول خدمت می نماید بگونه مثال : یک آزمایش دارویی را در نظر میگیریم و مهم پنداشته میشود که این آزمایش باید با دقت همه جانبه اجرا شود چونکه شاید تاثیرات جانبی ناشی از خود ادویه مورد آزمایش باشد دوکتوران و یا اجراکننده گان آزمایش این کار را شاید با یک مطالعه آزمایش کور (آزمایش کور یعنی که هم داکتران و هم مریضان در آزمایش دور مصرفی دوا بی اطلاع هستند و این باعث خواهد شد که چانس هرگونه تاثیر تلقینی یا فریب هوشیارانه از بین برود) انجام دهند درین آزمایش دو گروه از بیماران که تقریباً از نقطه نظر معیارات و شاخص های ایپیدیمیک یکسان اند انتخاب میشوند به یکی ازین گروه بیماران ادویه تجویز میشود و به گروه دوم آنها دارونما (یعنی مواد غیر ودایی که بشکل دوا در آورده میشود) تجویز میگردد درین آزمایش و یا مطالعه کور نه داکتران و نه هم مریضان چیزی میدانند که به کی ها دارو داده میشود و به کی ها دارو داده نمیشود ، این نوع آزمایش بمنظور بدست آوردن تجربه درست و موثق بکار برده میشود چونکه آزمایش همانطور طرح ریزی شده است و با شکل و اشکال متبادل و یا الترناتیبی آن که ذیلاً مورد بحث ما قرار خواهد گرفت کاملاً در تضاد و در تقابل میباشند .

زمانیکه یک آزمایش ویا تجربه به پایه اکمال خود رسید یعنی تکمیل شدیک محقق یا آزمونگر ملاحظه می نماید که آیا نتایج (داده ها) جمع آوری شده به آنچه که پیش بینی شده بود سر میخورد و یا نه ؟ در صورتیکه نتیجه گیریهای تجربی بدست آمده به فرضیه پیش بینی شده در مطابقت نباشد محقق یا به اصلاح کاستی های آن می پردازد ویا اینکه به ایجاد تیوری دیگر اقدام می نماید و اگر تجربه مورد نظر درست و موفقانه بود در آنصورت به انتشار آن (در تیوری) بطوریکه دیگران ممکن است همان نتایج را از تجربه شان بدست آورده باشند به تکثیر تجربه خویش داخل اقدام میشود .



این یک دیانگرام معروف میل «پست» گرام تجربی است که اطاعت و اقتدار در پرتو جنایات مرتکب شده توسط نازی ها در جنگ جهانی دوم پرداخته شده است .

آزمایش نیاز مطلق نیست ؛ مشاهدات اگر بر مبنای آزمایش های علمی واقعی و آنها در صورتیکه طرح آن بشکل متفاوت و حتمی نسبت به آزمایشگاه کلاسیک مبتنی بر علم صورت گیرد خود تجربه است و درین مورد با توجه به نگرانی های اخلاقی و ارزشهای خالص از مانیپولیشن و یا دستکاری در بخش های جامعه ؛ کار جامعه شناسان است که با بکار برد مواد درخور ضرورت را برای آزمایش فرضیهء شان بکار میبرند ویا از رشته های علوم دیگر بغرض بسر رساندن

ازمایش فرضیه‌شان استمداد میجویند؛ جامعه‌شناسان بجای حفظ ونگهداشتن متغیرهای ثابت درتنظیمات لابراتواری بکار روشهای آماری (بگونه مثال رگرسیون) می پردازند زیرا به آنها اجازه داده میشودویا آنها این اجازه رادارند که به کنترل متغیرها در تجزیه وتحلیل ونه نسبت به جمع اوری داده ها داخل اقدام گردند بطورمثال در بررسی ترویج جنسیت؛ جامعه‌شناسان ممکن تاثیر طبقه اجتماعی را با این احتمال که متغیر شاید تاثیر اش را بالای ارتباطات جامعه بگذارد تحت کنترل خویش قرار میدهند. یعنی برخلاف آنکه این متغیرها را جامعه‌شناسان همچو بعنوان یک آزمایش واقعی در یک محیط لابراتواری اجرا نمایند در عوض روش های آماری و احصایوی را بغرض ثابت نگه داشتن طبقه اجتماعی (چونکه حالت بهتر از واریانس نسبی برای طبقه اجتماعی بحساب برده میشود) بکار می بندند پس آنها روابط بین جنسیت و ترویج را بیرون تداخل طبقه اجتماعی دیده میتوانند بدین ترتیب آزمایش فرضیه درست است و برای عملکرد وکارایی علم به آن دلیل وبرهان نیزایده ال وارمانی است چونکه یک روش بهتر برای استنتاج علت ومعلول است درحالیکه روش های دیگر از آزمون فرضیه را طور معمول در علوم اجتماعی بکار می برند.

ارزیابی وتکرار: روند وجریان علمی تکرار شونده میتواند باشد ودر هر مرحله از روند این امکان وجود دارد که توجه یک دانشمند را مبنی بر تکرار قسمت پیشین ویا مقدم از این روند وجریان بخود جلب نماید بگونه مثال عدم موفقیت ویا وامانده گی یک فرضیه قبلاً طرح شده بمنظور دسترسی به یک پیشبینی جالب وآزمون شده قابل ملاحظه وقتی میسرنگردد بدیهی است که دانشمند تصمیم میگیرد تا در رابطه موضوع وتعریف فرضیه مورد نظر تجدید نظر نماید.

نقطه قابل عطف و قابل یادداشت اینست که علم بخودی خود یک سرمایه عظیم اجتماعی است یعنی این علم است که در اجتماع سرمایه

گذاری می نماید و کار علمی تنها آن زمان از طرف اجتماع مورد پذیرش و تایید قرار میگیرد که نتایج تجربی و نظری آن در اجامع علمی توسط دیگران تکثیر شده باشد همچنان قابل تذکر است که تمام دانش علمی در واقعیت یک حالت تغییرات متوالی میباشد که در هر زمان ممکن است شواهد جدی را که با یک فرضیه در تضاد طولانی قرار داشته باشد آن تضاد را ارایه و افاده نماید؛ با در نظر داشت همین دلیل مجلات علمی در واقع استفاده بردن از یک پروسه باز بینی است که در آن نسخه های خطی دانشمندان با سردبیران مجلات علمی (معمولاً یک تا سه) همکار و همتا ای که (معمولاً ناشناس) در زمینه مورد نظر از لحاظ بررسی و ارزیابی مهارت و آشنایی دارند به همچو وظیفه گماریده میشوند؛ داوران و یا صاحبان نظر ممکن است انتشار مواد ارزیابی شده را توصیه بنمایند و یا شاید هم نه نمایند و یا اینکه انتشار آنرا با افزونی بعضی پیشنهادات توصیه نمایند و یا نشر موضوع مورد نظر را در کدام مجله و یا ژورنال دیگر تدارک نمایند پس به هر صورت همچو اقدامات در واقع خدمت بی شایبه برای حفظ ادبیات علمی آزاد و مبرا از کار غیر علمی است. و در طرد و کاهش خطاهای اشکار کاملاً مثمر واقع میشود و بطور کلی کیفیت ادبیات علمی را بهبود می بخشد؛ اعلام و آماده گی کار قبل از رفتن در مطبوعات عام پسند و معروف از طریق این روند بطور کلی روی در هم کشیدن است؛ همکار گاهی اوقات بشکل غیر منصفانه و غیر مخلصانه به بررسی موضوع می پردازد و یا ممکن است در بعضی مواقع به موضوع بیش از حد برخورد سطحی نماید، بهر صورت روند بررسی دقیق همکار و همتا و یا پارتنر همیشه با موفقیت همراه نمی باشد؛ بلکه موضوع مورد نظر توسط جامعه یا اجامع علمی میتواند هر چه گسترده تر مورد تایید و تصویب قرار گیرد.

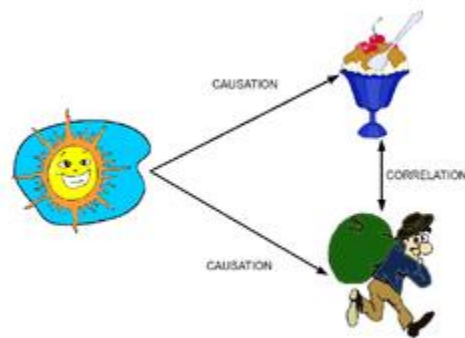
تکثیر یا تکرار مشاهدات علمی آنطوریکه در روش علمی بسیار مهم

توضیح و تشریح گردید در واقع به ندرت گزارش داده میشود و یا اصلاً به آن توجه صورت نمیگیرد، داوران و سردبیران اغلب مقالات و نوشته‌ها را در تحت نام اینکه مضمون و مقاله اورجینل نیست و یا حاوی مطالب جدید نمی باشد اقدام به نشر و تکثیر آن نمی نمایند ؛ ولی گاهی گزارشی از نتیجه یک موضوع ناکام و شکست خورده به نشر میرسد که پیرامون آن اختلاف نظر و عقیده و یا سو ظن از تقلب نیز موجود میباشد ؛ تهدید عدم تکرار توسط دیگران بهر صورت بعنوان یک عامل بازدارنده بسیار موثر برای بسیاری از دانشمندان که معمولاً تکرار داده های خود را چند بار قبل از اقدام به انتشار می سپارند میباشد.

بعضی اوقات مشاهدات مفید یا خود پدیده ها را نمیتوان بدست نشر سپرد آنها شاید وقایع نادر باشند یا حتی موضوع منحصر بقرد باشد ؛ تکثیر پذیری مشاهدات و تکرار آزمایش ها تضمین می نماید که موضوع مورد نظر درست است و یا تا هنوز درست درک نشده است خطاها اغلباً میتواند قبل از آزمایش در لابراتوار چهره نمایی کند که این خود میتواند باعث تانی در نشر موضوع مورد نظر گردد.

همبستگی و علیت (نسبت میان علت و معلول): در دنبال

و پیگیری علمی تولید و توضیح بین متغیرها دو رابطه مغشوش کننده وجود دارد: همبستگی و علیت «نسبت علت و معلول» ؛ رابطه اشاره



- دیاگرام تفاوت بین رابطه و علیت را نشان میدهد که مصرف آیس کریم ارتباط به واقعات جرم و جنایت دارد لکن هر دو متغیرها به کمی و یا زیادی درجه حرارت

در ارتباط میباشند لذا روابط بین مصرف آیس کریم و جرم جنایت جعلی و نادرست است .

به ارتباط بین دو متغیرها (یا بیشتر متغیرها) است که در آن باهم یکجا تغییر می نمایند ؛ ارتباط میتواند مثبت/ مستقیم یا منفی/ معکوس باشد ؛ یک ارتباط مثبت بدین معنی است که زیاد شدن یک متغیر «مثلاً مصارف شیرین» متغیر دیگر را نیز افزایش «مثل جرم جنایت» میدهد . زیرا یک همبستگی منفی مخالف همبستگی مثبت است یعنی در تقابل یکدیگر خود قرار دارند و آن بدین معنی که اگر یک متغیر افزایش یابد یا بیشتر گردد « مثل وضعیت اجتماعی اقتصادی» متغیر دیگر کاهش می یابد « مثل میزان مرگ و میر نوزادان » .

علیت « نسبت علت و معلول » اشاره به ارتباط بین دو متغیرها (یا بیشتر متغیرها) می نماید که در آن تغییر یک متغیر زمینه تغییر متغیر دیگر را مساعد میسازد و به همین ترتیب تغییر یک متغیر ، تغییر متغیر دیگر را باعث میشود که در برگیرنده سه معیار زیرین میباشد :

* **متغیرها باید باهم در ارتباط باشند .**

* **تغیر در متغیر وابسته باید زمینه تغییر متغیر غیر وابسته را در وقت و زمان سبب شود .**

* **باید نشان داده شود که متغیرهای مختلف (سومی) است که باعث تغییر درین دو متغیر مورد علاقه « طوریکه فهمیده میشود نادرست و جعل است» نه می شوند .**

این تفاوت ها را میتوان در یک مثال توضیح داد، مصرف آیس کریم با واقعات جرم و جنایت ارتباط مثبت دارد .

با استفاده از روشهای علمی مشخص شده که در بالا از آن ذکر نمودیم خواننده بلا فاصله طی سوالی توضیح این رابطة را باید جویا شود ؛ نکته ای که یک عبارت ساده و در عین حال قابل توجه باید معرفی شود اینست که **ارتباط علت و معلول نیست** . اگر شما به سه معیار که در فوق

قبلاً ذکر شد نگاه نماید در خواهید یافت که رابطه بین مصرف آیس کریم و جرم و جنایت فقط با یکی از معیارهای سه گانه فوق « که آنها با هم یکجا در تغییر اند » مطابقت می نماید ؛ توضیح واقعی این روابط مقدمه ای برای متغیر سومی است : مصرف آیس کریم و فزونی جرم و جنایت در ماه های تابستان بیشتر میگردد؛ لذا این دو متغیر ها باهم در ارتباط اند ، مصرف آیس کریم باعث جرم و جنایت نمیگردد یا معکوس آن بلکه هر دو متغیر ها و یا تغییراتی که در آنها بوجود می آید به بلند رفتن درجه حرارت در ماه های تابستان وابسته و یا ارتباط دارد .

این موضوع درخور اهمیت است که موجودیت رابطه با علت/معلول سرسام آور و گیج کننده نبوده ، موضوع چنین است که ارتباط اغلباً بین متغیرها وجود داشته میباشد ولی چنین به نظر می آید که همچو روابط اغلباً جعلی و نادرست میباشد درک مشخص از رابطه بین متغیر ها یک رکن و عنصر مهم از فرایند علمی شمرده میشود .

کمی و کیفی: هما نظوریکه بین جامعه شناسی پوزیتویستی و جامعه شناسی شناختی («verstehen» و اثره المانی یعنی فهمیدن) فرق وجود دارد با بررسی که صورت گرفته است اغلباً بین دونوع از جامعه شناسی نیز تمایز و تفاوت وجود دارد : **کمی و کیفی** .

روش های کمی تحقیقات جامعه شناسی از دیدگاه پدیده های اجتماعی میتواند اندازه گیری شودبگونه مثال: طبقه اجتماعی را میتوان با در نظر داشت روش های کمی به گروپ های مختلف : بالا ، متوسط و طبقه پایین تقسیم نمود و همچنان میتوان هر یک از تعداد متغیرها و یا ترکیبی از آنها را اندازه گیری کرد : مثل درآمد، دستیا بی به آموزش و پرورش قدرت و منزلت و پرستیژ و غیره . جامعه شناسان با در نظر داشت روش کمی بیشتر متمایل اند تا از روش های خاص جمع آوری داده ها و از موم فرضیه از جمله از طرحهای تجربی ، بررسی ، تجزیه

و تحلیل داده های ثانوی و تجزیه و تحلیل های آماری استفاده نمایند .
دنباله روان میتود و روشهای کیفی تحقیق جامعه شناختی از منظر
درک (verstehen) بیشتر تمایل نزدیک شدن به پدیده های اجتماعی را
دارند آنها یعنی این جامعه شناسان تلاش می ورزند تا از یک پدیده
خاص اجتماعی درک عمیق و همه جانبه داشته باشند ، آنها همچنان
اغلباً بصورت عمدی بر کمیت لازم آماری بمنظور تجزیه و تحلیل
آماري در رسیدن به عمق تجزیه و تحلیل از پدیده مورد مطالعه تکیه
می نمایند .

همچنان جامعه شناسانی وجود دارند که یک میتود و یا میتود دیگری
را مورد استفاده خویش قرار میدهند و یا جامعه شناسان دیگری هستند
که بمنظور نیل به سود و نفع بهتر و خوبتر از مزایای روشها و برخوردهای
ترکیبی استفاده بعمل می آورند این نظریه کمی و کیفی بعنوان یک
رویکرد و یا برخورد تکمیلی میتواند پذیرفته شود، نتایج حاصله از یک
روش می تواند شگاف پیدا شده در روش دیگر را پر نماید ؛ بگونه مثال :
روشهای کیفی میتواند الگوی بزرگ و یا بطور کلی یک نمونه در جامعه
باشد در حالیکه روشهای کمی در جامعه میتواند به توضیح مطلبی
کمک نماید که یک فرد چگونه قادر به درک آن الگوها شده میتواند .

عینی در مقابل انتقادی : جامعه شناسان مانند همه انسانها دارای
ارزش ها ، باورها ، و حتی پیش داوریهها و پیش فهمی ها از آنچه که
ممکن است در پایان تحقیقات خویش بدست می آورند میباشند، جامعه
شناسان در تمایل به تغیر و دگرگونی جهان نیز مصون نیستند بناً از نظر
جامعه شناسی برای جامعه شناختی دوروش پدید آمده است که تاکنون
رایج ترین روش و برخورد؛ رویکردی است که از طرف ماکس ویبر
حمایت شده و یا برسمیت شناخته شده است چنانکه دانشمندان علوم
اجتماعی بصورت منطقی از آن استدلال بعمل می آورند و آن بدین نحوه
که بیان همچو استدلال در داخل یک صنف درسی آنهم از طرف شخص

ویا اشخاص غیر حرفوی و غیر علمی هرگز جایز نیست ، ماکس ویبر به این موقف و موقعیت با چند دلیل چنین برخورد می نماید و یکی ازین برخورد اصولی را در بحث علمی خود از علم بعنوان حرفهء مشخص یاد اوری می نماید و آن اینکه برای یک فرد که در موقعیت بالا قرار داشته باشد و صاحب قدرت و نفوذ (مانند یک استاد) باشد مناسب نیست که شاگردان خود را بخاطر آنکه از این صنف به صنف دیگر ارتقا نمایند به جبر و زور وادارد که نظریات اور بپذیرند. ویبر استدلال مینماید که بیان همچو موضوعات برای دانشمندان علوم اجتماعی در خارج از صنف درسی کاملاً جایز است تا نظریات خویش را در میان گذارند که این خود در واقعیت امر برای دانشمندان علوم اجتماعی ویا آنهایکه با سیاست و دیگر فعالیت های اجتماعی درگیرند بعنوان سپر و مدافع نظریات شان محسوب شده میتواند ؛ برخورد عینی به علوم اجتماعی در تحقیقات جامعه شناسی و نشرات متدو اول و بقوت خود تا هنوز باقی مانده است و آنهم به دلیل امتناع در تعامل با مسایل اجتماعی در سطح عقاید و باورها چونکه به جای تمرکز بالای عقاید بهتر است به روی داده ها و نظریات بیشتر متمرکز گردید .

روش عینی با روش انتقادی در تضاد و تقابل قرار میگردد چنانچه که کارل مارکس ریشه های آنرا در ساختار های اقتصادی کاملاً برملا و برهنه ساخته است ؛ هرکس که با نظریه های مارکسیستی آشنایی داشته باشد متوجه خواهد شد که مارکس جامعه را فرا تر از توصیف و تشریح آن بخاطر تغییر ستوده و از آن حمایت نموده است ؛ از آنجاییکه مارکس جامعه سرمایه داری را نمی پسندید نیروها را بخاطر تغییر این سیستم فرا میخواند ؛ این روش ویا برخورد به جامعه شناسی است که اغلباً امروز آنرا بصفت جامعه شناسی انتقادی می نامند (به عمل تحقیق و پژوهش نگاه شود) بعضی از مجلات جامعه شناسی بر جامعه شناختی انتقادی بیشتر متمرکز میگردد چنانچه برخی از همچو برخورد

ها ذاتاً) فیمینیزم بگونه مثال تفکر سیاه و سفید فیمینستی است) بحرانی
میباشد .

اصول اخلاق : اندیشه های اخلاقی برای جامعه شناسان بویژه

مهم و لازمی میباشد چونکه بخاطر تحقیق موضوع و مسایل مردم
می باشد ، مهتر بودن اندیشه های اخلاقی در اینست که ، جامعه
شناسان را پا بند به مجموعه دقیق از رهنمودهای اخلاقی میسازد .
در تحقیقات جامعه شناختی در نظر گرفتن برخورد اخلاقی روش خیلی
با اهمیت تلقی میشود تا شرکت کننده گان شامل تحقیقات و یا کسانی که
بالای آنها تحقیقات صورت میگیرد احساس کدام خطر و صدمه را نه
نمایند برخورد اخلاقی در واقعیت چیزی تضمین شده است که از مطالعه
میتواند متفاوت باشد یعنی که یک شیوه خاص مختص بخود است که
باید پژوهشگر بخاطر درست بودن تحقیقات خود آنرا جداً در نظر داشته
باشد ، در اینجا ملاحظات چند عمومی و همگانی وجود دارد که نباید
فراموش گردد مثلاً پژوهش در کودکان و نوجوانان نیاز به موافقه
ورضایت پدر و مادر دارد ؛ تحقیقات و پژوهش در بزرگسالان نیز به
رضایت و موافقت آگاهانه شرکت کننده گان در تحقیقات تعلق دارد که
نباید آنها را با جبر و زور شامل پروسه تحقیق ساخت و یا با آنها برخورد
غیر اخلاقی نمود ؛ بمنظور بدست آوردن اطلاعات حساس و مرموز
(مسایل جنسی و درآمد و غیره) دوشیوه اضافی برخورد که عبارت از
محرمانه بودن و گمنام بودن شرکت کننده گان در تحقیق می باشد جداً
باید در نظر گرفته شود ، به همین دلیل است که اکثریت پوهنتونها
فیصله ها و نتایج تحقیقات سازمان هیئت مدیره خود را محرم نگاه
میکنند که این خود یک برخورد اخلاقی و تضمین کننده مصونیت
شرکت کننده گان در تحقیق و پژوهش میباشد .

باید خاطر نشان ساخت که برخورد اخلاقی در تحقیقات بعضاً توسط
برخی از دانشمندان که بمطالعه مسایل انسان علاقمند میباشند مراعات

نمیگردد چنانچه از مطالعات همچو موارد متعدد معلوم شده است که اکثر پژوهشگران در هنگام تحقیق و پژوهش اصول اخلاقی را در نظر نگرفته و آن عدول نموده اند از جمله میتوان از آزمایش پروژه سفلیس توسکاگی (Tuskagee) یاد نمود که در آن (399) مردان فقیر سیاه پوست مبتلا به سفلیس به نسبت برخورد غیر اخلاقی که به آنها صورت گرفت از ادامه تداوی مریضی شان ابا ورزیدند و متقبل انزار ناگوار مریضی شان شدند و یا میتوان از برخورد غیر اخلاقی و غیر انسانی نازی ها یاد نمود که انسانها را در تحت آزمایش های گوناگون خویش قرار میدادند. و یا میتوان از محتوای مقاله اخیر سوزان (Susan M. Reverby) که به افشای یک راز مرموز غیر اخلاقی پرداخته در اینجا یاد آور شویم و آن اینکه ازمایش های غیر اخلاقی گسترده تر از مطالعه توسکاگی یکی هم تحقیق بعدی که بود چه آنرا دولت ایالات متحده امریکا متقبل شده است مطالعه هزاران بندی و محبوسین گواتیمالایی که مبتلا به سفلیس اند هدف از تحقیق و مطالعه که ایا با تجویز پنسیلین این مبتلایان به سفلیس شفا خواهند یافت و یا نه؟ اینست نظارت های اخلاقی که در علم طرحریزی شده است و آنهم زیر نام جلوگیری از نقض حقوق بشر در جهان امروزی .

جامعه شناسان باید که اصول و ضوابط حرفه را از نظر اخلاقی همیشه در نظر داشته باشند ، بدیهی است که صداقت در پژوهش در تجزیه و تحلیل و در نشرات خیلی ها مهم و ضروری میباشد، جامعه شناسان که داده های شان دستکاری شود و یا عضویت شان از سازمان حرفوی لغو شود طبعاً باعث رنجش خاطر شان میگردد و به این شکل منافع خود را از دست میدهند باید خاطر نشان ساخت که تضاد منافع یک جامعه شناس زمانی بملاحظه میرسد که از صورت حساب و منبع آن بودجه تخصیص داده شده که برای تحقیق و پژوهش در نظر گرفته شده است تجسس صورت گیرد، این نوع برخوردها طبعاً تاثیرات

ناگوار خود را بالای تحقیق و پژوهش میگذارد و در واقعیت امر همچو روش‌ها مغایر اصول و اساسات حرفه و اخلاق یک پژوهشگر میتواند تلقی شود .

جامعه‌شناسی بما چه میگوید : بعد از بحث مفصل و همه‌جانبه

از جامعه‌شناسی این توان را بدست آوردیم که جامعه خود را بشناسیم و یا از جامعه درک و فهمی داشته باشیم ، محدودیت‌های جامعه‌شناسی آنقدر قابل ارزش نیست که ما را از تحقیق و پژوهش به ارتباط جامعه و ادارد و یامانع تحقیق ما شود ولی با آنهم شماری از پرابلمها و مشکلات قابل توجه در زمینه تحقیق میتواند بملاحظه رسد که تذکر این مشکلات طور ذیل ضروری پنداشته میشود :

* سلوک و رفتار مغلق و پیچیده انسان ، ساخت و تولید بویژه در سطح فردی قابل ملاحظه در زمینه تحقیق و پژوهش.

* حضور محققان میتواند تحت تاثیر این پدیده در حال مطالعه قرار گیرد .

* جامعه بصورت متداوم درتغیر و تحول میباشد و برای جامعه‌شناسان مشکل و پرابلم را خلق می نماید تا به مطالعه مستمر و یکنواخت شان دوام دهند همچنان ممکن است که بر اساس تحقیقات جامعه‌شناسان تغییرات وارده در جامعه برملا و هویدا شود (بگونه مثال بنا به شهادت جامعه‌شناسان مبنی بر ادغام مدارس و مکاتب) .

* برای جامعه‌شناسان دشوار خواهد بود که بصورت پیگیر بخشی از زنده گی اجتماعی خویش راوقف مطالعه یک پدیده اجتماعی بنمایند .
فلهذا درین صورت لازم می افتد تا محدودیت‌های جامعه‌شناسی را بهتر درک نمایم ، انچنانیکه کمک‌های جامعه‌شناسی ما رادر درک از جامعه و یاهمچنانیکه به ارایه نظرات و ابزار های مفید برای درک انسان بعنوان موجود اجتماعی بمیاری رساند یا رهنمودی را بخاطر

درک از جامعه و انسان اجتماعی بدسترس ما گذاشت میتوان اهمیت
جامعه شناسی درک کرد .

دوام دارد